



پژواک عدالت

انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر

سال دوم - شماره دوم - پاییز ۱۴۰۱

مدیر مسئول: سیده مطهره هاشمی
سر دبیر: الهه عباسی



دانشگاه پیام نور بوشهر
مجمع قضائی شهید باهنر



law_pnu_boushehr



پژواک عدالت

انجمن علمی - دانشجویی حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر

سال دوم - شماره دوم - پاییز ۱۴۰۱

مدیر مسئول: سیده مطهره هاشمی
سر دبیر: الهه عباسی

فهرست

۳ سخن مدیر مسئول
سیده مطهره هاشمی

۴ سخن سردبیر
الهه عباسی

۵ حق زن در طلاق و ضرورت های
اجتماعی
دکتر امید رشیدی

۸ علل افزایش طلاق
دکتر زهره غلامعلی زاده

۱۰ ازدواج یا طلاق، مساله کدام
است
دکتر فرشته سلطانی

۱۳ عوامل موثر بر طلاق از منظر
دیدگاه زنان مطلقه (مصاحبه با
زنان مطلقه)
نازیلا دباغ

۲۲ تفسیر رای طلاق (دادخواست
طلاق بدلیل عسرو حرج)
سولماز اکبرزاده

۲۶ گزارشی از آمار طلاق و مولفه های
موثر آن در استان بوشهر
فاطمه عزیزی

۲۹ یادداشتی بر ماهیت طلاق
توافقی
منیره رحیمی

۳۱ مصاحبه با آقای ایمان دمیری
الهه عباسی

۳۴ طلاق ناشی از عسرو حرج زوجه
پریسا مرادی

۳۷ وکالت در طلاق و ابعاد مختلف
آن
زینب رئیس الذاکرین

۴۰ مهرم حلال و جانم آزاد
آزاده نژادحسن

۴۲ پدیده طلاق
نسترن داودی

۴۳ داستان چای تلخ
مریم سالمی

۴۶ اجرت المثل یا نحله؟
زهره شاعری

۴۸ درد و پایان (تحلیل فیلم هامون)
نرگس گرگی لیراوی

۴۹ مشاوره طلاق (معرفی کتاب)
پروانه وحدانی

صاحب امتیاز:

انجمن علمی حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر

شماره مجوز: ۲۴/۱۴۰۰۴۹

مدیرمسئول: سیده مطهره هاشمی

سر دبیر: الهه عباسی

استاد مشاور نشریه: نازیلا دباغ

ویراستار: احمد جمعه پور

هئیت تحریری:

فاطمه عزیزی، منیره رحیمی، الهه عباسی

پریسا مرادی، زینب رئیس الذاکرین، آزاده نژادحسن

نسترن داودی، مریم سالمی، زهره شاعری

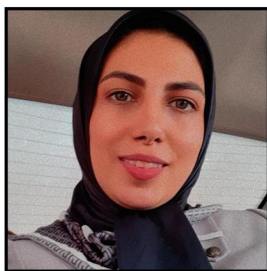
نرگس گرگی لیراوی، پروانه وحدانی

باهمکاری:

دکتر امید رشیدی، دکتر زهره غلامعلی زاده

دکتر فرشته سلطانی، ایمان دمیری، نازیلا دباغ

سولماز اکبرزاده



سیده مطهره هاشمی
مدیر مسئول نشریه

سخن مدیر مسئول

خدا یا شروع سخن نام توست

و جودم به هر لحظه آرام توست

همراهان گران سنگ نشریه پژواک عدالت

همراهی همدلی و دلگرمی حضور شما عزیزان موجب گردید که این بار با دومین شماره نشریه حقوقی پژواک عدالت در خدمت شما عزیزان باشیم. این مهم محقق نمی شد جز به همت و همکاری مجموعه وزین انجمن علمی حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر، اساتید محترم، دانشجویان، دانش آموختگان و وکلای گرامی

نگارنده، دستان پرمهر نگارندگان این شماره از نشریه پژواک عدالت را به گرمی می فشارد و قدردان حضورشان است

رسالت نشریه حقوقی پژواک عدالت، آگاهی بخشی و روشن کردن چراغ در طریق های تاریک جامعه است. بدین سبب بر آن شدیم تا این بار در حوزه طلاق، این آسیب اجتماعی پررنگ که چونان ابری تیره بر تارک آسمان جامعه مان سایه انداخته است، بنگاریم

آفرینش این هستی، سراسر با پیوندها گره خورده است و در پس پیوندها، گاه نیز جدایی ها نقش می بندد

زندگی و دوام و بشریت با ازدواج، این پیوند مقدس گره خورده است و گاهی این پیوند به ناکامی می انجامد و با طلاق روبرو می شود

طلاق، گاه می تواند مظهر جدایی و مطرود باشد. ولی روی دیگر سکه این است که می تواند توأم با روشنی و فرصتی دیگر و نجات بخش باشد

در دین بزرگ و کتاب محکم اساس ما، اسلام و قرآن، از طلاق - با این که آن را امری ضروری دانسته - ولی شدیداً مذمت شده و به عنوان مغضوب ترین حلال ها از آن یاد کرده است دعوت می کنم از شما عزیزان تا در شماره های بعدی این گاهنامه نیز همراه ما باشید



الهه عباسی
سردبیر نشریه

سخن سردبیر

هوالحق

و در اصطلاح شرعی، گسستن پیوند ازدواج با صیغه مخصوص است، و در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته، از بین می‌رود

قوانین طلاق در ایران، بر پایه فقه اسلامی و صدور حکم درباره طلاق، در چارچوب صلاحیت دادگاه خانواده است

نشریه پژواک عدالت قصد دارد این قوانین را در ابعاد مختلف مورد توجه قرار دهد. از رویکردهای این نشریه، نگاه به حقوق از مجرای علوم دیگر از جمله جامعه‌شناسی و روانشناسی خواهد بود که در صورت تلفیق این علوم با یکدیگر، گامی در جهت نتیجه مقتضی و مدنظر قانون‌گذار برداشته خواهد شد

از اهداف دیگر پژواک عدالت، جلب توجه بیشتر حقوق‌دانان و دانشجویان به مسایل جامعه‌شناسی و روانشناختی و تأثیر مهم آن‌ها بر حقوق افراد خواهد بود

پژواک عدالت، پذیرای مقالات پژوهش‌گران و دانشجویان محترم خواهد بود و از کلیه دانشجویان و علاقمندان دعوت به عمل می‌آورد که پیشنهادات و انتقالات خود را در جهت نیل به اهداف یادشده از ما دریغ ننمایند

نشریات دانشجویی یکی از منابع مهم علمی محسوب می‌شوند که شرایط روز جامعه را با رشته مورد نظر تطبیق داده و توجه علاقمندان را به نکات خاص علم مورد نظر جلب می‌کند و موجب نوآوری و اصلاح رویه سابق خواهند شد. نشریه پژواک عدالت یک نشریه علمی-تخصصی با رویکرد علمی-اجتماعی است که به علم حقوق در گرایش‌های مختلف می‌پردازد

سیاس پروردگار هستی‌بخش را که توفیقی حاصل شد تا جمعی از فرهیختگان، دانشجویان و دانش‌پژوهان حقوق را گردآورده تا شماره جدید نشریه پژواک عدالت را با محوریت طلاق به ثمر برسانیم. طلاق در قوانین و جوامع ایران گسترده است و جزء کشورهای با بیشترین آمار طلاق محسوب می‌شود. طلاق از منظر حقوقی، به معنای پایان قانونی زندگی مشترک و جداسدن همسران از یکدیگر است و بر اساس قوانین ایران، در تعریف طلاق باید گفت که این واژه از ریشه طلق و به معنای رهایی و آزاد کردن است و به جدایی زن و شوهر و پایان زندگی مشترک به صورت قانونی اطلاق می‌شود

همچنین طلاق به معنی پایان شرعی و قانونی ازدواج



تفویض حق طلاق به زن

دکتر امید رشیدی

دکتری حقوق خصوصی
مدرس دانشگاه



تفویض حق طلاق به زن

دکتر امید رشیدی

مقدمه

طلاق؛ یکی از مباحث مهم اجتماعی در جامعه امروز است. فقه‌های مذاهب اسلامی، طلاق را حق مرد دانسته‌اند، در نتیجه اراده انشایی و رضایت زن، مدخلیت و اثری در صحت و اعتبار طلاق ندارد و به عنوان یک ایقاع، تابع اراده مطلق مرد است. این قاعده کلی باعث شده تا در شرایط استثنایی و با احراز آن شرایط توسط حاکم شرع و قاضی، امکان درخواست طلاق و مفارقت و رهایی از قید نکاح برای زن به صورت محدود و مقید در نظر گرفته شود. تحولات اجتماعی و تغییر سبک زندگی و ارتقاء سطح دانش و آگاهی‌های عمومی، ضرورت‌هایی را ایجاد کرده که باید برای زن نیز یک نوع «حق طلاق» در نظر گرفته شود، زیرا انحصار مطلق طلاق در قلمرو اراده و خواست مرد، تالی فاسد ایجاد خواهد کرد و با مقتضیات و ضرورت‌های اجتماعی منطبق نیست. در این نوشتار کوتاه سعی بر آن است تا ضرورت‌های اجتماعی و مبانی این قواعد عام ارائه شود و تفصیل بحث نیز در آتی منتشر گردد.

بند اول- مبانی فقهی و حقوقی انحصار طلاق در قلمرو اراده مرد

در فقه اسلامی با استنباط از آیه‌های ۱ سوره طلاق، ۲۲۹ و ۲۳۰ سوره بقره و ۴۹ سوره احزاب و احادیث متعددی مانند (اطلاق لمن اخذ بالساق)، طلاق و انحلال عقد نکاح را تابع اراده و خواست مرد دانسته‌اند و برای اراده و رضایت زن در وقوع و صحت طلاق نقش و تأثیری قائل نشده‌اند. انحصار انشاء طلاق، صرفاً با اراده مرد، از احکام امضایی است. بدین

معنی که در جاهلیت عرب و قبل از اسلام نیز برای انحلال نکاح، این واژه با این مفهوم را به کار برده‌اند و مرد هرگاه قصد پایان دادن به رابطه زوجیت را داشته، بدون هیچ قید و بندی اقدام به قطع رابطه زوجیت و جاری کردن صیغه طلاق و حتی تحقیر زن و اجحاف حقوق او نموده است. شریعت اسلام در آن شرایط برای زن حقوق و شأنی را در نظر گرفت و در هنگام طلاق، مسئولیت‌های را برای مرد ایجاد کرد. براین مبنا، خطاب آیات قرآن کریم و احادیث مذکور، مرد بوده و چنین استنباط شده که در هر حال، حق طلاق به صورت مطلق در اختیار مرد است و زن رأساً و ابتدایه‌ساکن حق ایقاع طلاق را ندارد و این مرد است که به رابطه زوجیت پایان می‌دهد و احکام و آثار طلاق در کتب فقهی بر این استنباط کلی استوار گردیده است.

بند دوم- حق زن در طلاق از دیدگاه فقه اسلامی

بنابر مبانی فقهی، حق طلاق در اختیار مرد است و طلاق به عنوان نمونه اعلاای ایقاعات، صرفاً تابع اراده مرد بوده و اراده انشایی زن نقشی در آن ندارد. حالیه سوال این است که آیا در فقه اسلامی، حکمی استثنایی برای تعریف یک نوع طلاق با اراده زن در نظر گرفته شده است؟ در مقام پاسخ باید اذعان نمود؛ حقی مستقل که یک نوع طلاق را تابع اراده انشایی زن نموده باشد وجود ندارد و زن در هیچ فرضی، نمیتواند رأساً و بدون رضایت مرد اقدام به جاری نمودن صیغه طلاق نماید و رابطه

زوجیت را پایان دهد. اما تحت سه عنوان، زن می‌تواند به نمایندگی از زوج یا با مراجعه به حاکم اسلامی، درخواست طلاق نماید. این سه عنوان عبارتند از:

الف- وکالت در طلاق

ب- طلاق به دلیل عسر و حرج

ج- طلاق خلع

در هر سه فرض مذکور، زن رأساً و ابتدایه‌ساکن، قادر به ایقاع طلاق و پایان دادن به رابطه زوجیت نیست، بلکه در نهایت، این مرد است که اقدام به طلاق می‌نماید و در صورت استنکاف، حاکم به نمایندگی از زوج و طبق قاعده (الحاکم ولی الممتنع) اقدام به جاری کردن صیغه طلاق می‌نماید. در وکالت در طلاق نیز، زن به نمایندگی از زوج اقدام به جاری نمودن صیغه طلاق می‌نماید و اراده زن، مستقل و در نقش «اصیل در طلاق» نیست. اگر در فرضی که زن در عالم واقع قادر به تحمل رابطه زوجیت نبوده و خواهان طلاق باشد و هیچ یک از شرایط مذکور برای طلاق وجود نداشته باشد و یا اینکه زن ادله اثبات را نتواند در دادگاه ارائه دهد و قادر به اثبات ادعای خود مبنی بر اثبات عسر و حرج نباشد یا زوج راضی به طلاق خلع و قبول بذل نباشد، در این وضعیت رابطه زوجیت با یک بحران مواجه خواهد شد و تالی فاسد ایجاد خواهد کرد و باید برای برون رفت از این آسیب و بحران فردی و اجتماعی چاره‌ای اندیشید.

بند سوم- نظریه ضرورت و مصلحت و تفویض طلاق

نماید با این توضیح که زوج حق طلاق خود را به زوجه تفویض و واگذار نماید. یعنی اینکه زن بتواند رأساً اقدام به جاری نمودن صیغه طلاق نماید البته باید توجه نمود که تفویض طلاق با وکالت در طلاق تفاوت دارد. زیرا در تفویض طلاق، یک نوع واگذاری و انتقال حق طلاق صورت می‌گیرد و زن دارای (حق طلاق) می‌شود البته در تحلیل این واگذاری باید اذعان نمود، واگذاری حق طلاق به زوجه، سلب حق مطلق برای زوج نیست بلکه زوج نیز می‌تواند موازی با زوجه، اقدام به طلاق نماید. «تفویض طلاق»، تعارض یا تضادی با احکام طلاق ندارد، بلکه منطبق با مصلحت و ضرورت های فردی و اجتماعی جامعه کنونی است. تفصیل این بحث و ادله و مبانی آن در آتی تقدیم دانشجویان و دانش پژوهان خواهد شد

ممکن است وضعیتی ایجاد گردد که هیچ یک از فروض سه گانه مذکور محقق نگردد، معالوصف زن بر طلاق و مفارقت اصرار ورزد و تداوم رابطه زوجیت و بقای کانون یک خانواده‌ی آرام مهیا نگردد. سوال این است که آیا زن با اجبار و اکراه باید این وضعیت را ادامه دهد؟ اگر زوجین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و شرایط تزلزل و انحراف و آسب برای آنها وجود دارد، آیا باید کماکان رابطه زوجیت و عقد نکاح تحت هر شرایطی حفظ گردد و تازمانی که زوج راضی نشود، راهی برای پایان نکاح و برون رفت از این وضعیت وجود نداشته باشد؟ یقیناً بقای اجباری نکاح در فرضی که یکی از زوجین حاضر به تداوم آن نیست و رابطه عاطفی زوجین سردشده یا علاقه ای بین آنها باقی نمانده باشد، غیرعقلایی و بیهوده و عبث است و حتی ممکن است باعث خشونت‌های خانگی و آثار مخرب فردی و اجتماعی شود

نظریه‌های «ضرورت» و «مصلحت» در فقه اسلامی، اقتضا دارد که این موضوع در جامعه کنونی مورد بازنگری و بازاندیشی قرارگیرد. در راستای تمهید یک راه حل و برای برون رفت از این وضعیت و با استناد به دو نظریه مذکور و با عنایت به اینکه نص صریحی دال بر منع جاری کردن طلاق توسط زن وجود ندارد، می‌توان یک نوع «حق طلاق» را تحت شرایط خاصی برای زن در نظر گرفت. یکی از راه حل های مفید، می‌تواند نظریه «تفویض طلاق» باشد که در فقه نیز دارای سابقه و مبانی است. در زمان عقد نکاح و یا پس از آن، زوجین می‌توانند در مورد «تفویض طلاق» توافق





یادداشتے بر موضوع طلاق بررسی علل افزایش طلاق در جامعه و آسیب شناسی آن زهره غلامعلی زاده

وکیل پایه یک دادگستری
دانش آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی



بررسی علل افزایش طلاق در جامعه و آسیب شناسی آن

زهرا غلامعلی زاده

در مسیر زندگی و در دوران زندگی زناشویی نیز برای ادامه و پایداری زندگی، برای تمام مشکلات و مسایلی که پیش روی زوجین قرار می گیرد به متخصصان و کارشناسان مربوطه مراجعه کنند.

یکی دیگر از راهکارهای کاهش آمار طلاق، به ویژه در میان زوج هایی که فرزند دارند، انعکاس سرنوشت بچه های طلاق می باشد و آینده این بچه ها که قربانی تصمیم پدر و مادر می شوند، باید به صورت جدی به زوجین گوشزد گردد تا بتوان از نابودی جامعه جلوگیری کرد. چرا که تبعات و آثار ناشی از طلاق هم برای زن و مرد و هم برای فرزندان، فاجعه بار بوده و جامعه را دچار هرج و مرج می گرداند.

عوامل زیستی موثر در وقوع طلاق به عدم تناسب سنی، ازدواج زودرس یا کم سالی، بیماری های مسری، بیماری های طویل المدت، عقیم بودن مرد و نازایی زن و ناتوانی مرد تقسیم می گردند.

عوامل روانی و اخلاقی موثر در بروز طلاق نیز عبارتند از: تزلزل پایه های ایمان و سقوط مبانی اخلاقی، عدم توافق اخلاقی، فقدان محبت بین زوجین، تحقیر یکدیگر، خویشتن بینی یا خودمداری، حسادت فوق العاده و بی جا، بدبینی و بیماری سوءظن، لجابت و سخت گیری های بی جا و نداشتن گذشت نسبت به یکدیگر، حساست، تجمل پرستی زن، دروغ گویی، ناپایداری، زودباوری، پیش داوری های ناصواب، عدم رعایت ادب و نزاکت، خرافات و بی نظمی، ناپختگی؛

و عوامل اجتماعی موثر در وقوع طلاق: تاثیر شهر و روستا، مسکن، ناهماهنگی طبقاتی، دخالت های بی مورد دیگران، دوستان ناباب، ازدواج اجباری، تعدد زوجات، تاثیر الکلیسم در خانواده، مواد مخدر، رسیدن به ثروت ناگهانی، فقر و بیکاری، پرکاری یا اشتغال فوق العاده به کار، محکومیت های درازمدت، اختلافات و تعارض ها، بدآموزی های وسایل ارتباط جمعی می باشند.

یکی از راهکارهای پیشنهادی برای جلوگیری از افزایش روزافزون طلاق و پایداری خانواده ها این است که زن و مرد در ابتدای زندگی و قبل از ازدواج حتما از خدمات مشاوره ای ازدواج بهره مند گردند.

امروزه و در جامعه کنونی به طور نگران کننده ای شاهد افزایش روزافزون طلاق میان زوجین، علی الخصوص زوج های جوان هستیم، به طوری که اگر این موضوع هم چنان افزایش یابد، می بایست منتظر پدیده ای به نام «سونامی طلاق» باشیم.

با عنایت به این که خانواده بنیادی ترین و اساسی ترین محل برای تربیت نسل آینده و پرورش آیندگان برای جامعه ای هرچه بهتر است، می بایست استحکام آن حفظ شود و عدم استحکام خانواده و ازهم پاشیدگی آن، موجب فروپاشی جامعه و قرارگرفتن آن در مسیر قهقرایی و انحطاط و نابودی، می گردد.

یکی از علل افزایش طلاق، آشنایی از طریق فضای مجازی و دوست شدن و نهایتا ازدواج بدون هیچ گونه آشنایی قبلی است.

از علت های دیگر، دوستی های خیابانی بین جوانان است که ممکن است به صورت یک هوس زودگذر باشد که منجر به ازدواجی بی پایه و اساس و نهایتا جداشدن بعد از چندماه زندگی مشترک است.

به عبارت بهتر از عوامل موثر در وقوع طلاق می توان به ازدواج های سست که هدف آن بر مقاصد عالی و ملکوتی ازدواج و همانا ایجاد یک پیوند پایدار و تربیت نسل آینده برای جامعه ای سالم و صالح می باشد، اشاره کرد.

به طور کلی عواملی را که در وقوع طلاق اثرگذارند، می توان به عوامل زیستی، روانی و اخلاقی و عوامل اجتماعی دسته بندی کرد.



ازدواج یا طلاق؛ مسالہ کدام است؟

فرشته سلطانی

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی دانشگاه مازندران
پژوهشگر مسائل اجتماعی



ازدواج یا طلاق؛ مساله کدام است؟

دکتر فرشته سلطانی

برای یک جامعه شناس، پیش از طلاق، پدیده ازدواج است که امری است جالب توجه! چرا ازدواج می کنیم؟ بدیهی است که صریح ترین پاسخ به این پرسش این است که پیوند زناشویی راهی برای پاسخگویی به نیازهای غریزی است. اما یک جامعه شناس می پرسد که آیا تشکیل خانواده و بستن پیمان زناشویی تنها راه پاسخگویی به نیازهای غریزی دو جنس مخالف در طول تاریخ ۲۰۰ هزار ساله انسان خردمند بوده است؟ در عرض جغرافیا چگونه؟ آیا در سراسر دنیا، ازدواج تنها شیوه پاسخ به این نیاز است و آیا در تمامی جوامع، کشورها و اقوام مختلف، شکل و سنت های ازدواج یکسان است؟

امروز به مدد رسانه های اجتماعی که دسترسی همگان را به اطلاعاتی از سراسر دنیا آسان کرده است، می دانیم که پاسخ به این پرسش، منفی است. ارتباط با جنس مخالف، قالبهای بسیاری برمی گیرد اما این تنوع شکل ها و شیوه ها، هنوز موفق نشده خط بطلانی بر متعارف ترین شیوه و سنت ارتباط زن و مرد، یعنی ازدواج، بکشد. بنابراین ازدواج و پیوند زناشویی و متعاقب آن طلاق، یکی از همه گیرترین پدیده های جامعه انسانی در سراسر دنیاست.

نگاهی به آمار ازدواج و طلاق در دهه های اخیر که روند صعودی آن باعث شده تا به زعم برخی از محققین، دوران اخیر، عصر طلاق نامگذاری شود، نشان می دهد پدیده

طلاق در سراسر دنیا، تبدیل به امری شایع شده و البته ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده است. در سال ۱۳۴۹، ۱۶۱۳۵ طلاق در کشور ثبت شده، در حالی که در سال ۱۳۹۹، یعنی برابر با نیم قرن بعد، میزان طلاق ثبت شده در کشور به رقم ۱۸۳۱۹۳ رسیده است.

بنا بر آماری دیگر، ظرف مدت بیست سال از ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰، نرخ طلاق در کل کشور، متجاوز از ۳ برابر شده است. در سال ۱۳۸۰، از هر ۱۰/۵۸ ازدواج، یک مورد به طلاق منجر شده که نشان می دهد طلاق، فرجام کمتر از ۱۰ درصد ازدواجها بوده است در حالی که این آمار در سال ۱۳۹۹، این رقم به ۱ طلاق به ازاء هر ۳ ازدواج رسیده که شامل بیش از ۳۳ درصد ازدواج ها می باشد.

اما آنچه که بنا داریم در این مقال به آن بپردازیم، چرایی طلاق و جدایی است. طلاق بنا به تعریف، عبارت است از انحلال شرعی، قانونی یا عرفی، اختیاری و اضطراری خانواده تحت شرایط و اصول معین. تا چندی پیش، طلاق پدیده ای هول انگیز و نشانه ناپایداری روابط در یک خانواده و یا نهادینه نشدن ارزشهای اخلاقی و اجتماعی در زوجین بود اما امروز طلاق به عنوان یک انتخاب که گاه تنها پاسخ و راه حل پیچیدگی های حاصل شده در یک خانواده است، در نظر گرفته می شود.

از آنجایی که در علوم انسانی، با پدیده های تک علتی روبرو نیستیم و یک پدیده از عوامل بسیاری تاثیر می گیرد، طلاق را

نیز نمی توان ناشی از یک یا دو علت دانست. برخی پژوهشگران، طلاق را تحت تاثیر عوامل جمعیت شناختی نظیر بالا رفتن سن ازدواج، تحصیل و استقلال زنان و ... می دانند و برخی دیگر از جامعه شناسان عوامل جامعه شناختی نظیر تغییرات در ساختار خانواده، شهرنشینی، وخیم شدن وضعیت اقتصادی، بیکاری و دشواری تامین معیشت و ... را

مورد اشاره قرار داده اند. برخی پژوهشگران نیز به فردگرایی فزاینده در روحيات جوامع امروزی اشاره کرده اند و معتقدند روابط اجتماعی بیش از پیش صورت فردی به خود گرفته و به جای قرار گرفتن بر ابتدای قراردادهای قیود و کنترل های اجتماعی جامع سنتی، به سوی انتخاب ها و تمایلات فردی سوق پیدا می کند.

اما این پرسش اساسی همچنان پابرجاست که اگر فردگرایی و دیگر عوامل اجتماعی، به ناگزیر، بستر رخداد طلاق را فراهم می کند، چرا همچنان بر ازدواج های اشتباه تاکید می شود؟ آیا عامل اصلی در رخداد طلاق، رویکردهای غیرواقع بینانه به ازدواج است یا سنت ها و شیوه های مرتبط با ازدواج؟ و یا اینکه اساسا نهاد خانواده و پیوند زناشویی، نهادی است که کارکرد خود را در جامعه مدرن از دست داده و می بایست با شیوه های نوینی از

ازدواج یا طلاق: مساله کدام است؟

جامعه مدرن که طلاق دیگر پدیده ای شوم تلقی نمی شود بلکه به دلیل رشد آزادی های فردی و کاهش داغ ننگ حاصل از طلاق، گاهی به عنوان راهکاری عقلانی به شرائطی غامض قلمداد می گردد، بیشتر به عنوان گزینه نهایی پاسخ به مسائل ازدواج برگزیده می شود.

اما بدیهی است که طلاق، فارغ از نوع نگرش به آن، بدون شک با آسیب های فردی و اجتماعی بسیاری همراه است. لذا راهکاری که ضروری است جامعه برای پیشگیری از ابتلا به تبعات و صدمات حاصل از طلاق، پیش گیرد، اتخاذ رویکردی عقلانی در خصوص رابطه زن و مرد، جلوگیری از شتاب زدگی در تشویق جوانان به ازدواج، تقویت روحیه مسئولیت پذیری و ترویج رویکردهای واقع بینانه نسبت به ازدواج و تعهدات متناظر با آن در بین جوانان است.

مادامی که جوانان با رویکردهای هیجان محور به عرصه ازدواج و تعهدات زناشویی وارد شوند و جامعه نیز بر ازدواج ولو غیرعقلانی و شتابزده، به عنوان تنها شیوه پاسخگویی به غرایز و نیازهای جسمی و روانی افراد تاکید نماید، ازدواج به ناگزیر، بستری خواهد شد برای طلاق های بی رویه، پراسیب و بحران زا در جامعه.

علائق فردی و تفاوت های فردی و اجتماعی موجود در انتخاب، پدیدار می شوند. باورهای اشتباه در هنگام ازدواج و ناآگاهی کامل از تعهداتی که ازدواج، متضمن و متناظر آن است، باعث می شود تا زوجین بعضاً بنا به هیجانات دوران جوانی، غرایز و باورهای اشتباه نشات گرفته از بازنمایی رسانه ها و سینما از ازدواج، وارد روابطی تعهد آمیز شوند که ضروری است برای آن از قید آزادی ها و خواست های فردی بگسلند و وارد یک اشتراک منافع و تشریک مساعی شوند. در حالی که رویکرد آنان نسبت به مقوله ازدواج با آنچه که عملاً با آن روبرو می شوند بسیار متفاوت است.

در جوامع سنتی، این آگاهی به تفاوت ها، به دلیل قدرت کنترل ها و بازدارنده های اجتماعی منجر به گسستن پیوند زناشویی نمی شد اما در

اما این پرسش اساسی همچنان پابرجاست که اگر فردگرایی و دیگر عوامل اجتماعی، به ناگزیر، بستر رخداد طلاق را فراهم می کند، چرا همچنان بر ازدواج های اشتباه تاکید می شود؟ آیا عامل اصلی در رخداد طلاق، رویکردهای غیرواقع بینانه به ازدواج است یا سنت ها و شیوه های مرتبط با ازدواج؟ و یا اینکه اساساً نهاد خانواده و پیوند زناشویی، نهادی است که کارکرد خود را در جامعه مدرن از دست داده و می بایست با شیوه های نوینی از رابطه زن و مرد، جایگزین شود؟ ازدواج، انتخابی است که عمدتاً با احساسات و هیجانات در آمیخته است. زوجین عموماً در بدو امر، رویکردی هیجان محور و نه عقلانی به زندگی زناشویی دارند اما پس از گذشت مدت زمانی چند، واقعیت هایی نظیر حقوق شخصی نادیده گرفته شده،





عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران
مدرس دانشگاه



عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

چکیده

طی سال های اخیر با گسترش آسیبهای اجتماعی، طلاق در بسیاری از استان های کشورمان رشد چشمگیری داشته است. یکی از این استان ها، استان خراسان رضوی است. آمار بالای طلاق در این استان به یکی از دغدغه های اصلی مسوولان فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. به گونه ای که کمتر برنامه، همایش یا طرح اجتماعی بدون در نظر گرفتن تأثیرات پدیده اجتماعی طلاق در استان اجرایی شده است.

رضایت آگاهانه شرکت کنندگان، اختیار و آزادی در خروج از مطالعه در هر مرحله از تحقیق، محرمانه ماندن فایل مصاحبه ها و اطمینان دادن به شرکت کنندگان در راستای استفاده علمی از اطلاعات کسب شده از ملاحظات اخلاقی مورد توجه در این پژوهش بود. همچنین برای ناشناس ماندن هویت شرکت کنندگان در مطالعه، تمامی اسامی به کار رفته به صورت مستعار انتخاب شده اند.

با توجه به پیامدهای فرهنگی، اجتماعی وسیعی که طلاق در بافت سنتی شهرستان مشهد برای زنان به همراه دارد، این

مطالعه با هدف تبیین دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق در شهرستان مشهد انجام شد.

روش: این مطالعه کیفی پدیدارشناسی بر روی ۱۵ زن ساکن شهرستان مشهد که دارای تجربه طلاق بودند، انجام شد. به منظور گردآوری داده ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته و مطالعه اسناد و مدارک استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل درونمایه ای انجام شد. نتایج: نتایج حاصل از این مطالعه دربردارنده عوامل موثر بر طلاق از دیدگاه زنان مطلقه است. درونمایه های اصلی شناسایی شده شامل عوامل فردی، عوامل بین فردی، عوامل خانوادگی و عوامل فرهنگی اجتماعی و درونمایه های فرعی شامل ازدواج با انگیزه نامناسب، مسائل روانی و شخصیتی همسر، عدم مهارت های ارتباطی موثر، تقابل سنت و تجدد در نظام خانواده، همزیستی فرهنگ بومی در کنار فرهنگ نوین و ارتکاب جرم هستند. با توجه به افزایش طالق و گسیختگی نظام خانواده، انجام مداخلات حرفه ای توسط مددکاران اجتماعی، پیش از ازدواج، حین ازدواج و بعد از ازدواج الزم و ضروری می نماید. با عنایت به

بافت فرهنگی شهرستان مشهد آگاه سازی و فرهنگ سازی در زمینه کاهش دخالت های خانوادگی در زندگی مشترک زوجین توصیه میگردد. در خصوص کاهش میزان طلاق و پیامدهای ناشی از آن لازم است سیاستگذاران و برنامه ریزان اجتماعی از طریق افزایش سرمایه گذاری و لزوم تقویت زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی اقدامات مؤثری انجام دهند چرا که یکی از عوامل فرو پاشی خانواده ها عدم اشتغال، بیکاری و بی پولی که نتیجه آن شاهد افزایش جرایم مالی همچون سرقت و کیف قاپی، فروش مواد مخدر.... هستیم



عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

ازدواج زنان با انگیزه نامناسب:

انتخاب همسر که یکی از مهمترین انتخاب های افراد در طول زندگی تلقی میشود، گاه تحت تأثیر نگرش های آرمانی و انگیزه های نامناسب قرار گرفته و باعث میشود افراد در مهمترین انتخاب زندگی خود، از روی احساس، جبر محیطی و ناآگاهی دست به اقدام و انتخاب بزنند. به عنوان مثال سنان که در ۲۲ سالگی و بعد از چندین بار شکست در آزمون ورودی دانشگاه ها تصمیم میگیرد با مردی که دارای مدرک فوق لیسانس و دو بار تجربه طلاق داشته، ازدواج کند آن هم فقط به خاطر داشتن مدرک تحصیلی بالا. او چنین میگوید: آرزوی من قبولی در کنکور بود. اما بعد از چند بار شرکت در آزمون، تصمیم گرفتم با مردی که فوق لیسانس و دو بار تجربه طلاق دارد، ازدواج کنم. با اینکه میدونستم اصلا به درد نمیخوره. اما به خاطر مدرک دانشگاهی بالا، شیفته ازدواج با اون شدم. یا صبا از انگیزه ازدواجش به خاطر زندگی در خارج از کشور میگوید: با توجه به اینکه سنم بالا رفته بود، با مردی که ۱۰ سال بزرگتر از خودم بود و از سن ۱۵ سالگی به همراه خانواده اش به استرالیا مهاجرت کرده بود، ازدواج کردم. مردی که هیچ شناختی ازش نداشتم و افکار و عقاید و کال شیوه زندگیش با من متفاوت بود، اما چون زندگی در خارج همیشه رویای من بود باعث شد بهش جواب مثبت بدم. یک ازدواج ناآگاهانه! ازدواجی که از همون دوران عقد به طلاق ختم شد». شیوا از رابطه کامل احساسی و عاشقانه و به دور

از هر نوع شناخت و آگاهی میگوید: «خانواده ام به شدت مخالف ازدوایم بودن. پدرم میگفت: پسر مستقلى نیست و به خانواده اش تکیه داره و نمیتونه یک زندگی رو اداره کنه اما عشق و علاقه بچه گانه همه وجودم رو پر کرده بود و به حرف کسی اهمیت ندادم. میخواستم به هر قیمتی که شده باهاش ازدواج کنم. خانواده ام هم وقتی اصرار من رو دیدن دست از مخالفت کشیدن. بعدها متوجه شدم که حق با پدرم بود و اگه به حرفش گوش میدادم شاید امروز مهر طلاق رو شناسنامه ام نبود. پدرم همیشه عصبانی بود و با مادرم مدام سر ناسازگاری داشت. مرتب دعوا مرافعه داشتند. دلم میخواست از اون خونه برم و همین باعث شد که به اولین خواستگارم بدون هیچ فکری پاسخ مثبت بدم. میخواستم با رفتن از خونه پدرم روی خوشبختی رو ببینم اما بدبخت شدم. این را آیدا در خصوص شرایط نامطلوب خانه پدری میگوید. اما شراره از رابطه ناتمام خود با دوست پسرش و ازدواج با اولین خواستگارش به خاطر شکست عاطفی سخن میگوید: با دوست پسرم حدود ۲ سال رابطه داشتم. مدام بهش میگفتم که برای خواستگاری اقدام کنه اما هر بار بهونه می آورد. میگفت موقعیت ندارم، شغل حسابی ندارم و از این حرفها. تا اینکه متوجه شدم که اصلا قصد ازدواج با من رو نداره و اصلا نمیخواه زیر بار مسئولیت بره. منم به خاطر اینکه احساساتم جریحه دار شده بود، به یکی از خواستگارام جواب مثبت دادم به این امید که اون پا پیش بذاره، اما اقدام نکرد و منم

ازدواج کردم

مسائل روانی و فقدان ثبات شخصیتی:

از دیدگاه زنان شرکت کننده در پژوهش، مسائل روانی و فقدان ثبات شخصیتی یکی از عوامل موثر بر طلاق گزارش شد. داشتن مشکلات روانی و شخصیتی شوهر در اغلب موارد ادامه زندگی را با تنش و کشمکش زوجین همراه ساخته تا جایی که تحمل عرصه بر زنان تنگ میگردد و طلاق را بر ادامه زندگی مشترک ترجیح می دهند. برای مثال فرشته در خصوص عدم استقلال فکری و وابستگی شوهرش به دیگران میگوید: خیلی به خانواده اش وابسته و متکی بود. هرگز نمیتونست در هیچ کاری خودش تصمیم بگیره. بدون نظر خانواده اش حتی کوچکترین و پیش پا افتاده ترین مسأله ای رو هم نمیتونست حل کنه و این مسأله روز به روز من رو بیشتر عصبی میکرد. شهناز در خصوص افسردگی شوهرش میگوید: شوهرم افسرده بود. خیلی منزوی و گوشه گیر بود. اهل رفت و آمد و معاشرت نبود. گاهی خودم تنهایی مهمونی میرفتم. خیلی کم حرف بود. نسبت به همه چیز بی اهمیت و بی توجه بود. داروی افسردگی هم مصرف میکرد اما مثل اینکه تأثیر خوبی نداشت. کلا کسل بود و حال و حوصله خودش رو هم نداشت چه برسه به من. کمکم احساس کردم که بود و نبود من توی اون خونه هیچ اهمیتی نداره. منم داشتم افسرده میشدم. وقتی بهش پیشنهاد میدادم یه تغییری

عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

پیشنهاد میدادم به تغییری در زندگی‌مون ایجاد کنیم با بی تفاوتیش مواجه میشدم. به خاطر همین تصمیم گرفتم که هر چه زودتر از این زندگی برم بیرون. لایلا از سوء ظن شدید همسرش میگوید: خیلی شکاک بود. مرتب گوشیم رو چک میکرد. حتی نسبت به تماس تلفنی همکارانم هم حساس بود. به اشتباه فکر میکرد من با مرد دیگه ای در رابطه هستم. حساسیتش روز به روز بیشتر میشد تا اینکه هر روز صبح خودش منو تا اداره میرسوند و ظهر میاومد دنبالم. بارها سر همین مسأله با هم جر و بحث داشتیم اما اون دست از شکاکیتش برنمیداشت. من رو متهم به کاری میکرد که هرگز حتی فکرش هم به ذهنم خطور نکرده بود! اما آیدا از حساست بی حد و حصر شوهرش میگوید: طی اون ۸ ماهی که باهاش زندگی کردم حتی به هدیه خیلی کوچیک ازش نگرفتم. حساسیتش حد و اندازه نداشت. همه خریدهامو چک میکرد و به خاطر خرید یه وسیله حتی نسبتا ارزون هم باهام جر و بحث میکرد. آیدا همچنین از ظاهرسازی های شوهرش میگوید: در دوران عقد خودش رو پیش خانواده ام طوری جلوه داد که همه بهش افتخار میکردن و به من غبطه میخوردن که چه شوهر خوبی گیرم اومده با اخلاق، مومن، اهل آداب و معاشرت و... اما شخصیت واقعی خودش رو فقط در زندگی نشون داد. مینا از بی مسئولیتی شوهرش نسبت به زندگی میگوید: با اینکه مسئولیت های اجتماعی زیادی رو بر عهده داشت، اما نسبت به زندگی‌مون، نسبت به آینده بچه هامون خیلی بی

تفاوت بود. هیچ وقت به درس و مشق بچه ها رسیدگی نمیکرد. به مدرسه شون اصلا سر نمیزد. بچه ها که مریض میشدن خودم تنهایی میبردمشون دکتر. همه مسئولیت های این زندگی رو دوش من بودو در هیچ کدوم از مشکلات زندگی‌مون حضورش رو احساس نکردم. فقط سر کار میرفتم و وقتی هم می اومدم انتظار داشت همه چیز رو به راه باشه.

فقدان مهارت‌های ارتباطی مؤثر: ارتباط کلامی و عاطفی برای زنان در زندگی زناشویی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، فقدان این مهارت در زوجین عامل ایجاد فاصله و جدایی عمیق عاطفی در همسران میگردد، به طوری که میتواند عامل جدایی و طالق باشد. منظور از مهارت‌های ارتباط بین فردی در این مطالعه ارتباط عاطفی، ارتباط کلامی و ارتباط جنسی است. به عنوان مثال شراره در ارتباط با عدم ابراز علاقه و توجه شوهرش میگوید: هرگز بهم ابراز علاقه نمیکرد. نسبت بهم خیلی بی توجه بود. بود و نبودم براش اهمیتی نداشت. تو اون خونه احساس پوچی بهم دست داده بود. اصولا از نظر اون ابراز علاقه و توجه نشون دادن یه کار بچه گانه و مسخره می اومد. هر بار که بهش اعتراض میکردم، با ریشخند میگفت: مگه بچه شدی، توجه، توجه!». شیرین از فقدان همدلی میگوید: «زن و شوهری که نتونن در مشکلات از همدیگه حمایت کنن و سنگ صبور هم باشن، همون بهتر که از هم جدا بشن. شوهرم هیچ وقت در مشکلات کنارم نبود و حمایت نکرد. مادرم که فوت کرد اصلا درک نمیکرد که مرگ مادر یعنی چی؟! مرتب

بهم طعنه میزد که: چه خبرته آبقوره گرفتی، مرد که مرد، خدا رحمتش کنه! در همه مسائل اینطور بود. همدلم و همزبونم نبود. اما سانا از پرخاشگری های شوهرش میگوید: اصلا نمیشد باهاش حرف زد. تا یه چیزی میگفتم بهم پرخاش میکرد، عصبانی میشد. به هیچ وجه نمیتونستیم با همدیگه دو تا آدم معقول بشیم و در مورد مسأله ای صحبت کنیم، اون همیشه عصبی و بدخلق بود. انگاری تا من میخواستم حرف بزنم، عصبی و پرخاشگر میشد، چون با اطرافیان و خانواده‌اش اینطور نبود». ناتوانی جنسی شوهر، برای لیلال به مشکلی بزرگ تبدیل شده بود: «ناتوانی جنسی داشت. به اصرار من چندین بار به پزشک مراجعه کرد اما نتیجه‌ای نداشت. از نظر پزشکان ناتوانیش منشأ روانی داشت نه جسمی. باید تحت روان درمانی قرار میگرفت. اما حاضر به این کار نبود». زری هم از بی میلی جنسی شوهرش میگوید: «هیچ تمایلی به رابطه جنسی نداشت. همه راه ها رو برای ایجاد میل و علاقه درش امتحان کرده بودم اما بی نتیجه بود. کتابهای زیادی رو در این مورد مطالعه کردم و از یه روانشناس خانواده هم کمک گرفتم. باید هر دو تحت مشاوره قرار میگرفتیم اما شوهرم راضی به این کار نبود. میگفت من همینم که هستم اگه خسته شدی میتونی از این زندگی بیری بیرون. نسبت به هم خیلی سرد و بی عاطفه شده بودیم و دیگه دلیلی برای ادامه زندگی باهاش نمی دیدم». تقابل سنت و تجدد در نظام خانواده: با توجه به

عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

چالش های وسیعی که امروزه خانواده با آن رو به روست، الگوها و ارزشهای سنتی کارکرد موثر خود را در حد بسیار زیادی از دست داده اند و در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفته اند. در بافت فرهنگی نمونه های مورد مطالعه هنوز کارکرد این الگوها و ارزشهای سنتی در حد نسبی پابرجاست اما دیگر از سوی جوانان پذیرفتنی نیست. به عنوان مثال نادیا از ازدواج تحمیلی اش سخن میگوید: «بعد از طلاق اولم به اصرار و اجبار خانواده مجدداً ازدواج کردم. با اینکه کمترین علاقه ای به شوهرم نداشتم اما حق مخالفت هم نداشتم، مخصوصاً اینکه ازدواج اولم به میل و علاقه خودم بود. پدرم نظرش این بود که اگه همون بار اول خودش برام شوهر انتخاب میکرد حالا من مطلقه نمیشدم. اما انتخاب پدرم هم به طلاق منتهی شد». لاله از عدم تحقیق و شناخت قبل از ازدواج میگوید: «خانواده شوهرم یکی از خانواده های سرشناس و پولدار شهر بودند. به اعتبار شهرت و ثروتشون خانوادهام نیازی به تحقیق ندیدن». ساناز از زندگی با خانواده شوهرش میگوید: «قبل از عروسی قرار بر این بود که ۲-۳ ماه با خانواده شوهرم زندگی کنیم و بعد به خونه بگیریم. اما ۶ ماه از ازدواجمون گذشت و خبری از خونه گرفتن نبود. همه مسئولیت های خونه، آشپزی، نظافت، پرستاری از مادر شوهرم که سرطان داشت، همه به عهده من بود. مثل کلفت کار میکردم و کسی قدمرو نمیدونست و اصرار من هم برای زندگی مستقل بی نتیجه بود». آیدا از عدم پذیرش از سوی خانواده شوهر

میگوید: والدینش با ازدواج ما مخالف بودن. منو به عنوان عروسشون قبول نداشتن و مدام بهم سرکوفت میزدن». شهین از دخالت های خانوادگی میگوید: «کارمون به جایی رسیده بود که حتی عمو و عمه های شوهرم در زندگی من دخالت میکردن و برامون تعیین تکلیف میکردن. حتی در کوچکترین مسائل مون مثل خرید لوازم خونه دخالت میکردن». شراره از زندگی در خانواده مرد سالر میگوید: «زندگی در یه خانواده مردسالر عین اسارتیه. هیچ اختیاری از خودم نداشتم. حتی اجازه رفتن به خونه پدرم رو هم نداشتم. با اینکه ما طبقه پایین خونه پدر شوهرم بودیم، اما مرتب رفت و آمدمو کنترل میکردن و تذکر میدادن که خوب نیست زن اینقد بیاد و بره». مریم در خصوص تشویق خانواده اش به طلاق میگوید: «بعد از چندین بار اختلاف و گشمکشی که بین من و شوهرم پیش اومد، مادرم اصرار داشت که طلاق بگیرم. میگفت: اون دیگه برای تو شوهر نمیشه، با این دعوا مرافعه هاتون، هر چه زودتر جدا بشی برات بهتره». اما زری از مخالفت شوهر با ادامه تحصیلش سخن میگوید: «با خانواده شوهرم همسایه بودیم و تقریباً رفت و آمد داشتیم. موقع آشنایی هر دومون دیپلم بودیم تا اینکه من در دانشگاه تبریز قبول شدم و همون دوره بود که شوهرم اومد خواستگاری. اولین شرطش این بود که انتقالی بگیرم و پیام شهر خودمون درس بخونم. منم چون دوشش داشتم قبول کردم. بعد از یک سال که از زندگی من گذشت، مخالفت ها

شروع شد. گفت باید درس خوندن رو رها کنی و به خونه و زندگی برسی. من زن تحصیل کرده نمیخوام. این اختلافات مدتی ادامه داشت اما به هیچ وجه نظرش عوض نشد. منم به خاطر همین مسأله درخواست طلاق دادم

ارتکاب جرم:

شهرستان مشهد همانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران دستخوش تغییرات اجتماعی و فرهنگی وسیع گشته است. در دهه های اخیر افزایش اعتیاد، جرم و فقر در این شهرستان بیداد میکند. به طوری که از دیدگاه زنان مورد مطالعه در این پژوهش، ارتکاب جرم، اعتیاد به مواد مخدر به ویژه استعمال مواد صنعتی از قبیل شیشه، کراک، کریستال و... از مهمترین عوامل موثر بر وقوع طلاق هستند. این در حالی است که با شیوع جرم در جامعه، ارزشهای فرهنگی نیز دگرگون شده اند و ارزشهای نوینی که خواستگاه غربی دارند، در جامعه رایج شده است. در ارتباط با استعمال الکل فرشته میگوید: شوهرم همیشه مست بود. مصرفش بالا بود. الکل مصرف میکرد. کمی بعد از مصرف خون جلوی چشاشو میگرفت. با اینکه ازش قول گرفته بودم که ترک کنه اما یواشکی می آورد تو خونه و مصرف میکرد. به خاطر بچه هام جدا شدم. میترسیدم که اونام گرفتار بشن. لاله که در دوران عقد از همسرش جدا شده بود، میگوید: در دوران عقد از طریق یکی از فامیل های شوهرم

عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

متوجه شدم که شوهرم سالهاست، اعتیاد داره و این مسأله رو از من و خانوادم پنهان کرده و حتی در نتیجه آزمایش هم به کمک یکی از دوستانش که در آزمایشگاه کار میکرد، تغییراتی داده بود، که مسأله اعتیاد مخفی بمونه.»

مریم از سرقت و کلاهبرداری های شوهرش میگوید: «شوهرم مجرم فراری بود. پرونده های زیادی در کلانتری داشت از سرقت های کوچک گرفته تا فروش مواد و... هر روز باید میرفت کلانتری و اعلام حضوری میداد. از این وضع خسته شده بود. تا اینکه به روز به دروغ گفت: وکیل گرفتم تا کارهام رو به راه کنه و باید چند روزی برم تهران. اما دیگه هرگز ندیدمش. آخرین باری که صداشو شنیدم از کشور عراق تماس میگرفت. برای همیشه فرار کرد و اگه برمیکشت محکوم به حبس ابد میشد.»

شهناز هم در مورد خشونت های جنسی همسرش که ناشی از استعمال مواد بود، سخن میگوید: «بارها ازش خواسته بودم که این مواد کوفتی رو بذاره کنار، اما مگه گوشش بدهکار حرف من بود؟! مدتی ترک کرد و سرش به کار و زندگیش گرم شد اما همین که مشکلی براش پیش می اومد شروع به مصرف میکرد، یه شب که مصرف کرده بود، مثل دیوونه ها بهم حمله ور شد، خیلی متوهم بود چون همیشه فیلم های پورن تماشا می کرد، چند بار سرم رو به دیوار کوبوند، میل جنسیش به شدت کم شده بود و اصلا توانایی ارتباط جنسی نداشت و این موضوع عامل حقارتش بود چون من مدام بهش یادآور می شدم که تو دیگه نمیتونی. اونقدر بهم فشار آورد تا جنین دو ماه

هام سقط شد. همه تنم آثار کتک هام شه.»

همزیستی فرهنگ بومی در کنار حضور فرهنگ نوین:

با رواج شهرنشینی و افزایش حاشیه نشینی و نوع مشاغل برخاسته از قاچاق مواد مخدر ارزشهای نوینی در حال شکل گیری است که مغایر با روح جمعی است و بنیان خانواده را به شدت تهدید میکند. به عنوان مثال شیوا از تعداد زوجین می گوید: «به بهانه کار و بردن جنس برای مشتریانش به شهرهای دور و نزدیک کمتر خونه بود. وقتی ام خونه بود، اصل حرف نمیزد، میگفت: راحتم بذار خسته ام. تا اینکه از طریق یکی از فامیالی نزدیکمون فهمیدم که یه شهر دیگه خونه و زندگی تشکیل داده بدون اینکه من بفهمم.»

نادیا از تأثیر شبکه های ماهواره های بر انتظارات شوهرش میگوید: «پای ماهواره مینشست و به کانالهای فارسی نگاه میکرد و مرتب بهم طعنه میزد که زن باید خوشگل باشه، خوش تیپ باشه و... ازم میخواست مثل اونا لباس بپوشم و باشگاه برم که اندامم خوش فرم بشه. انتظاراتش روز به روز بیشتر میشد و منم به خاطر کارهای خونه و رسیدگی به بچه ها نمیتونستم اونقدر که اون میخواست به خودم برسم وقتی هم مطابق خواستهایش عمل میکردم راضی نمیشد و حتما یه ایرادی ازم میگرفت. انتظار داشت من پا به پای مدل های ماهواره های پیام برم.»

مینا از خیانت و روابط عاطفی خارج از چهارچوب

ازدواج سخن میگوید: «مرتب گوشیش زنگ میخورد و وقتی من پیشش بودم هیچوقت جواب نمیداد. تا اینکه یه روز که حموم بود گوشیش رو یواشکی چک کردم. پر از پیامهای عاشقانه بود.»

ساناز از خیانت جنسی سخن میگوید: «میدونستم که رابطه های جنسی خارج از ازدواج داره. به رابطه زناشویمون اصل پایبند نبود. گاهی برای مأموریت کاری میرفت، شیراز، کاشان و... و تا یه هفته برنمیگشت وقتی هم برمیکشت کامال سرحال و قهراق بود. یه بار که دعوامون شد و من برگشتم خونه پدرم، بعد از یک ماه که اومد برم گردونه خونه، گفت: فکر نکن این مدت بهم سخت گذشته و تو فشار بودم. من خیلی راحت با زن های دیگه در رابطه هستم و این مدت که نبودی چندین بار تجربه سکس داشتم و به وجود تو هیچ نیازی ندارم

استفاده از راه های ارتباطی مدرن نیز یکی از عوامل موثر در طالق از دیدگاه شرکت کنندگان در این مصاحبه بود:

لیلا در این باره میگوید: شوهرم مرتب تو اینستاگرام و تلگرام ... بود. وقتی بهش اعتراض میکردم، میگفت: دنیا عوض شده و عصر، عصر ارتباطاته! تو خونه فقط حضور فیزیکی داشت. همه مخاطبانش هم زن بودن و تا نیمه های شب مشغول چت بود. با بعضی هاشونم به بهانه فعالیت کاری قرار حضوری میگذاشت و بهانه اش این بود که به راهنماییشون برای تکمیل پروژه هام نیاز دارم.»

عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

نتیجه گیری

هدف از مطالعه حاضر تبیین دیدگاه زنان مطلقه پیرامون عوامل موثر بر طلاق در شهرستان مشهد بود. با توجه به زیارتی بودن شهرستان مشهد و رواج حاشیه نشینی و مهاجرت از استان سیستان و بلوچستان به این شهر طی دهه های اخیر نظام خانواده با تغییرات وسیعی روبه رو گشته است، به طوری که بیش از پیش شاهد افزایش آمار طلاق در این شهرستان هستیم. تصمیم به طلاق نتیجه فشار درونی شدیدی است که حداقل به یکی از همسران وارد میشود. در این مطالعه که از دیدگاه زنان مطلقه صورت گرفت، مهمترین عوامل موثر بر طلاق عوامل فردی، عوامل بین فردی، عوامل خانوادگی و عوامل فرهنگی-اجتماعی گزارش شد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که در بافت فرهنگی نمونه های مورد مطالعه، علت وقوع طلاق صرفاً به خاطر یک عامل نبوده است، بلکه مجموعه ای از عوامل همزمان دخیل بوده اند و همین امر ادامه زندگی را برای افراد دشوار می سازد. این نکته حاکی از این است که عوامل متعددی بر بروز طلاق به عنوان یک بیماری مزمن اجتماعی موثر هستند و هر چه تعداد این عوامل بیشتر باشد، خطر بروز طلاق بیشتر میگردد.

عامل فردی به عنوان یکی از عوامل موثر بر طلاق، اشاره بر ازدواج با انگیزه نامناسب از سوی زنان دارد. از دیدگاه شرکت کنندگان ازدواج های احساسی و بدون شناخت کافی، ازدواج به خاطر رسیدن به آرزوها و آرمانها و انتخاب

های خودسرانه از همان دوران عقد و یا ماه های آغازین شروع زندگی زناشویی محکوم به شکست بودند. ۵۰ درصد موارد طلاق در دوان عقد اتفاق افتاده است. این دوان گذرگاهی بین دوران مجردی و زندگی مشترک و فرصتی برای تبادل نظر و شناخت زوجین از یکدیگر است و تا حد زیادی با خصوصیات یکدیگر آشنا شده و گاه به علت عدم تفاهم زمینه های ناسازگاری و از هم پاشیدن زندگی مشترک فراهم میگردد. ازدواج هایی که با انگیزه هایی که در آن افراد درصدد رسیدن به آرزوها و رویاهای دست نیافتنی خود هستند، چنانچه یافته های این مصاحبه ها نشان داد، نهایتاً منجر به طلاق میگردد. جبران شکست های اجتماعی، تحصیلی و عاطفی از طریق ازدواج، زندگی در خارج از کشور، فرار و دور شدن از شرایط نامساعد و آشفته خانه پدری همگی اهدافی فردگرایانه هستند که زنان مورد مطالعه در این پژوهش، از طریق ازدواج درصدد دستیابی به این اهداف بودند. یکی از عوامل نارضایتی زناشویی و طلاق ازدواج با انگیزه های نامناسب بود. ازدواج هایی که از همان آغاز به دلیل عشق و علاقه یا بر اساس ملاک های نادرست صورت گرفته است. در این پژوهش مسائل روانی و شخصیتی همسر از جمله بدگمانی، افسردگی، خساست شدید، دوگانگی شخصیت و از این قبیل از عوامل موثر بر طلاق گزارش شد. بدگمانی و سوءظن شدید، عدم صداقت شوهر (بیماری های جسمی یا روانی همسر نیز گزارش شده است. اما عوامل بین فردی موثر بر طلاق که در

این مطالعه به عنوان فقدان مهارت های ارتباطی از آن یاد میشود، نقش بسیار مهمی در وقوع طلاق دارد. زوجینی که فاقد مهارتهای ارتباطی ضروری برای حل مشکلاتشان هستند، حتی کوچکترین مشکل نیز برایشان حل نشدنی خواهد بود در این مطالعه من به این نتیجه دست یافتم که آموزش مهارت های ارتباطی همچون همدلی و ارتباط موثر باعث ارتقای سطح درک فرد از دیگران، تحمل تفاوت ها و احترام به دیدگاه های مختلف می شود. همچنین در مطالعه خود به این نتیجه رسیدم که افزایش تبادلات مثبت، نیازهای عاطفی- روانی همسران را ارضا کرده، باعث ایجاد احساسات مثبت به یکدیگر میگردد و در نتیجه صمیمیت و رضایت زناشویی را به همراه خواهد داشت و این از طریق آموزش مهارت های ارتباطی به عنوان یکی از مهارت های زندگی میسر میگردد. از دیدگاه زنان مورد مطالعه در این پژوهش اختلالات جنسی، بی میلی جنسی و ناتوانی جنسی، عاملی موثر در جدایی و طلاق گزارش شد. مسائل جنسی در بسیاری از موارد میتواند نتیجه عدم اطلاعات کافی، نگرشهای منفی نسبت به رابطه جنسی و انتظارات واهی درباره رابطه جنسی باشد. رضایت مندی جنسی، عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی است و عدم رضایت از آن یکی از عواملی است که باعث از هم گسیختگی خانواده میگردد. یافته دیگری که توجه خاصی را میطلبد، عوامل خانوادگی

عوامل موثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

موثر بر طلاق است. نقش پررنگ خانواده ها در وقوع طلاق انکار ناپذیر است. در بافت فرهنگی نمونه های مورد مطالعه، شکاف عظیمی میان سنت و تجدد در خانواده شکل گرفته است. بسیاری از والدین سعی دارند بر اساس اصول سنتی و کهن، زندگی فرزندان را اداره کنند، در حالی که نسل امروزی با باورها و ارزش های جدیدی که کسب کرده است، تمایل به استقلال هر چه بیشتر و ایجاد خانواده هسته ای دارد. این واقعیت که خانواده به صورت سنتی شکل میگیرد اما ارزش ها و مفاهیم جدید بنیان آن را تحت تاثیر قرار داده است، غیر قابل انکار است. در جامعه ما خانواده به شکل سنتی شکل میگیرد اما طلاق های ما دقیقاً تحت تاثیر ارزش های نوین است. از دیدگاه شرکت کنندگان در این پژوهش ازدواج اجباری، زندگی با خانواده شوهر، دخالت های خانوادگی و مردسالاری در خانواده از عوامل موثر بر وقوع طالق عنوان شد. دخالت اطرافیان قویترین پیش بینی کننده میزان گرایش به طلاق است و هر چه دخالت اطرافیان در زندگی زنانشویی بیشتر باشد، گرایش زوجین به طلاق افزایش می یابد در واقع هر چه شبکه خویشاوندی قویتر باشد، دخالت اطرافیان در روابط زوجین از طریق سلب قدرت تصمیم گیری از زوجین موجبات بروز اختلافات خانوادگی را فراهم نموده و احتمال جدایی افزایش می یابد. دخالت های خانوادگی به عنوان یکی از عوامل موثر بر طلاق حمایت میکند. ازدواج های سنتی معمولاً بر اساس مصلحت جمع و منطبق بر

سنتها شکل میگیرد اما این نوع ازدواج در شرایط کنونی که جامعه دوره گذار از سنت به سمت تجدد را در پیش دارد، و این گذار بدون تنش و با روالی نرم اتفاق نمیافتد، در بسیاری از موارد به طلاق می انجامد، چرا که افراد خواهان ازدواج بر اساس مصلحت فردی و ارزشهای فردی خود هستند. همچنین نکته دیگری که جلب توجه میکند اقتدار پدرسالارانه در ازدواج های سنتی است. در جامعه ای است که سلطه جامعه بر فرد همه جانبه و دایره اختیارات فردی بسیار محدود است، تضعیف نظام خویشاوندی، تغییر جایگاه فرد تصمیم گیر اصلی و میزان برابرخواهی جنسیتی به مثابه مولفه های غیر مرسوم تلقی میشود. اما عناصر ساختی و کارکردهای خانواده، در حال گذار از وضعیت سنتی به مدرن است و با تضعیف شدید نظارت جامعه و خانواده بر فرد، تأمین نیازهای فردی به انتظارات جامعه و مصالح خانواده توقف پیدا کرده است. در چنین شرایطی شاهد تضعیف اقتدار پدرسالاری، گرایش به هسته ای شدن خانواده و عدم پذیرش دخالت های خانوادگی هستیم که در یافته های این مطالعه نیز به آن اشاره شده است. عوامل اجتماعی- فرهنگی یکی دیگر از عوامل موثر بر طلاق از دیدگاه شرکت کنندگان در این مطالعه بود. در چنین وضعیتی ساختار کلی جامعه که خانواده هم جزئی از این ساختار است، تغییر یافته و زندگی از حالت سنتی خود خارج شده است و به سمت الگوها و شیوه های نوین پیش رفته است و در گذر از این تغییر و تحولات،

عوامل بروز و ظهور زمینه های بروز خشونت، اعتیاد، سرقت و کلاهبرداری فراهم شده است. اعتیاد به مواد مخدر صمیمت و روابط مطلوب میان اعضای خانواده را مختل میکند و همزیستی خانوادگی در چنین شرایطی از میان می رود. از اعتیاد به عنوان یکی از عوامل موثر بر فسخ قراردادهای زنانشویی نام میبرند. استعمال بی رویه مشروبات الکلی نیز باعث میگردد، فرد نتواند پذیرای مسئولیت خطیر خود در خانواده باشد. چنانچه در این مطالعه نیز بدان اشاره شد، استعمال مشروبات الکلی با اعمال خشونت های جسمی و جنسی از سوی شوهرهمراه بوده است. از خشونت همسر به عنوان یکی از عوامل موثر بر طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده مشهد گزارش کردند. در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتیم که در ۶/۴۸ درصد از زنان مطلقه در شهرستان مشهد مواردی از سوء رفتار جسمی و در ۵۷ درصد مواردی از پرخاشگری دیده شده است. همچنین خشونت به عنوان یکی از دلایل طلاق گزارش شده است. با توجه به شرایط مذکور ارزش های اجتماعی و فرهنگی نیز در این شهرستان به چالش کشیده شده است. استفاده از رسانه های بیگانه، تعدد زوجین و روابط عاطفی- جنسی فرا زنانشویی از عوامل فرهنگی موثر بر طلاق گزارش شده است. جامعه شناسان از رسانه های جمعی به عنوان یکی از علل از هم پاشیدگی خانواده های جوان نام می برند که تحت تاثیر فیلم های مخرب ماهواره های قرار دارند

عوامل مؤثر بر طلاق از منظر زنان مطلقه

نازیلا دباغ

مددکاران اجتماعی در دادگاه های خانواده
۵. وضع قوانین همراه با ضمانت اجرایی در خصوص ازدواجهای اجباری
۶. وضع قوانین همراه با ضمانت اجرایی در خصوص هر نوع همسرآزاری و اعمال خشونت جسمی، جنسی، عاطفی و روانی در محیط خانواده

۷. تقویت و توسعه طرحهای پیشگیری از همسرآزاری در محیط خانوادگی

۸. کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده در مناطق شمال شرقی کشور به جهت نزدیک بودن به کشور افغانستان و عبور و مرور اتباع افغانستانی که موجبات جرم را فراهم می کنند، به ویژه خرید و فروش مواد مخدر، اعتیاد به مواد مخدر، استعمال مشروبات الکلی، خشونت و مواردی از این قبیل که زمینه ساز بروز طلاق میگردند

۹. توجه به توسعه پایدار اقتصادی و ایجاد زیر ساخت های اقتصادی برای اشتغال پایدار در مناطق حاشیه نشین شهر مشهد به جای تکیه بر اقتصاد بی ثبات و آسیب زا.

استفاده از رسانه های بیگانه باعث افزایش سطح توقع و انتظارات شوهران شده و زمینه تنش و اختلاف بین همسران را موجب شده است. برآورده نشدن انتظارات همسران از یکدیگر در زمینه اموری مانند اظهار علاقه و محبت، مورد احترام قرار گرفتن و سازگاری در روابط جنسی و در دیگر زمینه ها، عامل ایجاد اختلاف در بین همسران میشود.

پیشنهادهای

از یافته های مطالعه و مصاحبه حاضر میتوان نتیجه گرفت که عوامل مؤثر بر طلاق از دیدگاه زنان مطلقه متنوع و پیچیده بوده و مربوط به سطوح فردی، بین فردی، خانوادگی و فرهنگی اجتماعی است. آگاهی حقوقدانان و مددکاران اجتماعی از عوامل فوق و انجام مداخلات پیشگیرانه، ارائه مشاوره های تخصصی و لزوم برنامه ریزی و سیاستگذاری های اجتماعی در زمینه توجه به توسعه پایدار اقتصادی در استان خراسان رضوی در کاهش وقوع پدیده طلاق نقش بسیار مؤثری دارد، از این رو پیشنهادات زیر ارائه میگردد

۱. آموزش مهارتهای زندگی پیش از ازدواج، حین ازدواج و پس از ازدواج با هدف آگاهسازی زوجین

۲. آموزش و فرهنگسازی در ارتباط با عدم دخالت های خانوادگی

۳. انجام مداخلات حرفه ای توسط مددکاران اجتماعی در زمینه مشاوره های پیش از ازدواج، حین ازدواج و پس از ازدواج

۴. ایجاد زمینه های لازم برای مداخلات حرفه ای توسط



تفسیر رای طلاق

سولماز اکبر زاده

کارشناس ارشد حقوق خصوصی از دانشگاه مفید قم
مدرس دانشگاه
وکیل پایه یک دادگستری



تفسیر رای طلاق

سولماز اکبرزاده

گرفته است. ۷- مفهوم کراهت از نظر لغوی و اصطلاحی دارای معانی متعددی است و هر زمان که زندگی به کام زوجین یا احدي از آنها تلخ گردید مشمول کراهت است. همچنین فشارغ از مسائل زناشویی هر انسان دارای کرامت ذاتی است امری که هم از مقررات حقوق بشری و هم مستند به اصول دوم و بیست دوم قانون اساسی ایران مورد تاکید قرار گرفته است. ۸- در پرونده حاضر غیر از آنچه که از سوی مرجع محترم فرجامی مورد نقض قرار گرفته است موارد عسر و حرجی بسیاری وجود دارد: الف- بر اساس پرونده اجرایی که در آن زوج محکوم به پرداخت نفقه شده است و زوج از اجرای حکم و واریز وجه مربوط به نفقه استنکاف نموده و بعداً مبلغ بسیار ناچیزی صرفاً از باب ایذاء زوجه و در تنگنا قرار دادن وی به حساب دادگاه واریز کرده است. ب- با توجه به گواهی اداره بهزیستی زوجه بعد از ازدواج تحت پوشش این اداره قرار گرفته که این نیز خود حکایت از بی توجهی شدید به زوجه است. ج- با توجه به اجاره نامه پیوستی و دیگر مدارک مشخص می‌گردد که تمامی هزینه-های زندگی و نگهداری از فرزند مشترک بر دوش زوجه است و با توجه به مسائل اقتصادی بغرنج مشخص می- نماید که زوجه در عسر و حرج شدید است. د- با حضور فرزند مشترک در جلسه دادگاه آثار رنج و درد در ایشان هویدا است و اعلام اینکه مدتهاست که پدر خود را ندیده است در عرف ایران حکایت وجود عسر برای زوجه است. ۵- طلاق در اسلام

موجب سند رسمی شماره... نکاحیه تنظیمی در دفتر ازدواج شماره... محرز است که طرفین در مورخ... به عقد ازدواج دائم با یکدیگر درآمده- اند. ۲- مقنن در ماده ۱۱۳ قانون مدنی مصادیقی از عسر و حرج را بیان کرده است و در قسمت اخیر ماده مذکور صراحتاً اعلام شده است که: «موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر نماید.» مقررره مذکور اولاً: دامنه عسر و حرج را محدود ننموده است و ثانیاً: دادگاه با توجه به مسائل متعارف می-تواند تشخیص عسر و حرج را احراز نماید. ۳- امکان درخواست طلاق به دلیل قاعده فقهی «نفی عسر و حرج» است که در آیات ۱۲۵ انعام، ۷۸ حج و ۶ مائده آمده است. ۴- شرایط تحقق این قاعده هم می-تواند در اثر وقوع حادثه یا بحران، نامتعارف بودن حادثه، عدم تعادل عوضین، زیان در اجراء یا هر امر دیگر غیر حصری اتفاق و محقق گردد. ۵- نظام خانواده در اسلام به جهت ایجاد آرامش بوجود آمده است و بر اساس دکترین حقوقی نهاد خانواده مبتنی بر اخلاق است و هر زمان که این امنیت اخلاقی به خطر افتد نظام خانواده دچار انقلاب می-گردد. ۶- بر اساس مواد ۳، ۱۲ و ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸؛ ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره ۱۹۹۰، ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی؛ سیاسی ۱۹۶۶ که در تاریخ ۱۳۵۴ به تصویب مجلس ایران رسیده و بر اساس ماده ۹ قانون مدنی در حکم مقررات داخلی است؛ حیثیت، جان، مال و آبروی افراد مورد تاکید و حمایت قرار

تحلیل رای دادگاه

موضوع: دادخواست طلاق به دلیل عسر و حرج

خانم... با ارائه دادخواست به دادگاه خانواده شهرستان سیاهکل و ضمیمه نمودن مدارک مثبته ازدواج از دادگاه خانواده تقاضای صدور رای بر اساس عسر و حرج می-نماید و دادگاه با توجه به روند رسیدگی و تحقیقات صورت پذیرفته حکم خود را اینچنین صادر می-کند:

رای دادگاه

در خصوص دادخواست خانم... علیه آقای... مبنی بر الزام خواننده به طلاق بر اساس عسر و حرج و ثبت پرونده در شعبه اول حقوقی سیاهکل دادگاه با توجه به مستندات خواهان مبنی بر اینکه در سال ۸۸ با ایشان ازدواج نموده-ام و دارای یک فرزند دختر هستم ولی به دلیل اعتیاد شدید و ضرب و جرح بصورت مکرر زندگی با ایشان برایم مقدور نبوده و دچار عسر و حرج شدید می- باشم؛ با عدم حضور زوج در جلسات رسیدگی حکم طلاق به صورت غیابی صادر می- نماید. در مورخ ۱۳۹۷ با واخواهی زوج دادگاه دادخواست مشارالیه را رد می-نماید. با اعتراض فرجامی زوج شعبه... دیوان عالی کشور با این استدلال که: «با بذل ۵ سکه طلا و همچنین بذل نفقه و اجرت المثل ایام زناشویی نمی-توان عسر و حرج زوجه را به اثبات رساند» رای اصداری شعبه اول دادگاه سیاهکل را نقض و جهت رسیدگی به شعبه همعرض ارسال که فی-الحال در شعبه دوم حقوقی ثبت و بعد از رسیدگی و تحقیق به شرح آتی اتخاذ تصمیم می-گردد: ا- به

تفسیر رای طلاق

برای رسیدن به وضعیت بهتر در زندگی است و زوجه تمامی مرارتهای مراجعه به دادگستری را جهت این امر به جان خریده است. و: مساعی داوران و دادگاه در حصول سازش و برگشت به زندگی منتج به نتیجه نگردید. بنابراین دادگاه مستند به مواد ۱۱۳۰، تبصره ۱۱۳۳ قانون مدنی؛ مو ۱ د ۳۷، ۳۳، ۳۲، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۴ و ۳۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ حکم به الزام زوج به طلاق از نوع بائن خلع به دلیل بذل ۵ سکه از مهریه و بذل اجرت المثل ایام زناشویی و نفقه از سوی زوجه در هنگام طلاق صادر می-نماید. مدت اعتبار این حکم ۶ ماه از تاریخ ابلاغ رای فرجامی یا انقضای فرجامخواهی است. اما در ارتباط با توابع این دعوا: الف- زوجه در ارتباط با نفقه خود و فرزند مشترک بصورت مستقل طرح دعوا نموده است و سابق بر این هزینه خود را دریافت کرده است. ب- تعداد ۵ سکه بهار آزادی از مهریه و همچنین اجرت المثل ایام زناشویی و نفقه ایام عده از سوی زوجه در برابر طلاق بذل می-گردد. ج- در خصوص حضانت فرزند مشترک با توجه به تاریخ تولد ایشان سال ۱۳۹۳ و وضعیت خاص پدر (اعتیاد به مواد مخدر) حضانت با اختیارات حاصله از ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده با مادر است و پدر در روزهای جمعه پایانی هر ماه برای مدت ۲ ساعت از ساعت ۱۰ الی ۱۲ در ... می-تواند با فرزند خود ملاقات نماید. رای صادره حضوری است و ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان و بعد از انقضای آن قابل فرجام در دیوان عالی کشور است.

با توجه به دادنامه مذکور

عنوان خواسته طلاق ناشی از عسر و حرج است که بر اساس قواعد و مقررات شکلی به تحلیل آن می-پردازیم. شکلی:

الف- بعد از تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۹۱ به دعاوی زوجین در ارتباط با ازدواج دادگاه خانواده رسیدگی می-نماید. شعبی که بصورت تخصصی اختصاص به دعاوی مندرج در ماده ۴ این قانون که در ۱۸ بند آمده است رسیدگی می-کند. که بر اساس رای وحدت رویه شماره ۷۶۹ مورخ ۲۶ تیرماه ۱۳۹۷ و در خصوص صلاحیت نسبت به دعاوی خانوادگی در برابر دادگاه عمومی دارای صلاحیت ذاتی شناخته شده است؛ تبعاً دیگر شعب دادگاه اختیار رسیدگی به دعاوی خانوادگی را ندارند.

ب- هر رای از نظر آیین دادرسی مدنی دارای سه جزء است. الف: مقدمه حکم که در آن خواسته خواهان و مدارک و مدافعات طرفین ذکر می-گردد. در اصداری مورد بحث دادگاه صرفاً به توضیح مختصر در ارتباط با نوع دعاوی طرح شده بسنده کرده است و به عده دلایل و مدافعات طرفین که مبنایی برای ارزیابی و تحلیل رای دادگاه محسوب می-گردد اشاره مکفی نگردیده است که این از نظر حقوقی رای را دچار ضعف کرده است. ب: اسباب موجه حکم که در آن اصول و قواعد حقوقی و مقرراتی که بر اساس آن دادگاه جهت صدور رای له یا علیه احدی از طرفین مورد استناد قرار داده است. از این نظر رای مذکور اکثر مواردی که در این راستا قابل ذکر بوده است را در حکم خود مورد استناد قرار داده است. اما در ارتباط با عسر و حرج که آرای

شعب دیوان عالی کشور صادر شده است را مورد توجه قرار نداده است. اشاره به این موارد با توجه به اینکه دلیل نقض شعبه دیوان عالی کشور نیز موجه ندانستن عسر و حرج مورد استنادی شعبه اول دادگاه بوده است لازم و ضروری بوده که مورد توجه قرار گیرد علاوه اینکه عسر و حرج و تشخیص آن بر اساس زندگی خصوصی افراد می-تواند متفاوت باشد که اشارتی به آن نشده است. ج: منطوق رای: بخش آمره حکم است که در این قسمت از حکم تعیین تکلیف اختلاف طرفین با صدور حکم له احدی از طرفین به اتمام می-رسد. بر اساس اصل ۱۶۶ قانون اساسی آرای دادگاه-ها بایستی مستند به اصول و موازین قانونی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. این قسمت از رای از اعتبار امر مختومه برخوردار است که در رای مذکور از قسمتی که دادگاه با عنوان «بنابراین» شروع شده است رای خود را مدلل نموده است که این قسمت نیز دارای ایراد است چرا که اگر به قسمت اسباب موجهه نگاه کنیم دادگاه به بسیاری از مقررات بین-المللی و آیات قرآنی و قواعد حقوقی اشاره می-کند ولی در منطوق صرفاً به قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده بسنده می-کند که در این قسمت از رای به نظر می-رسد دادرس دادگاه توجهی به این امر ننموده است. طبیعی است که در منطوق رای دادگاه بایستی وضعیت طرفین را با اسباب موجهه اعلامی در حکم تطبیق داده و بر اساس آن رای خود را اعلام نماید. مثلاً

تفسیر رای طلاق

حقوقی تطبیق و حکم خاص در موضوع مورد اختلاف صادر کند.

ج-استناد

به اصول، قواعد، دکترین، عرف و مواد قانونی وقتی دارای ارزش حقوقی است که در جای خاص خود به آنها اشاره شده باشد.

نماید که این امر قطعاً موجب نقض حکم در مرجع بالاتر می‌گردد. به این دلیل که دادگاه نمی‌تواند خارج از خواسته طرف دعوا رای صادر کند و همچنین خواسته دعوی مطروحه باید منجز باشد که با توجه به دو خواسته طلاق عسر و حرجی و خلع خواسته مرد است و مستند به بند ۹ ماده ۸۴ آیین دادرسی مدنی باید قرار رد دعوا صادر شود و با این اوصاف دادگاه نمی‌تواند ورود در ماهیت دعوا نماید. همچنین در رای مذکور دادرس دادگاه به دکترین حقوقی اشاره کرده است به نظر بایستی به دکترین، جهت بائن تلقی کردن حکم استناد می‌نمود چرا که نوع طلاق ناشی از عسر و حرج در قانون مدنی ما مسکوت است و مشخص نیست چنین طلاقی رجعی محسوب می‌گردد یا بائن تلقی می‌شود؛ که این امر در رای صادر شده مغفول مانده است.

نتجه گیری

با توجه به موارد مذکور در دادنامه مورد نقد همچنین امتناع از ایراداتی که در شرح آورده شد نکات دیگری که در چنین پرونده‌هایی بایستی مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

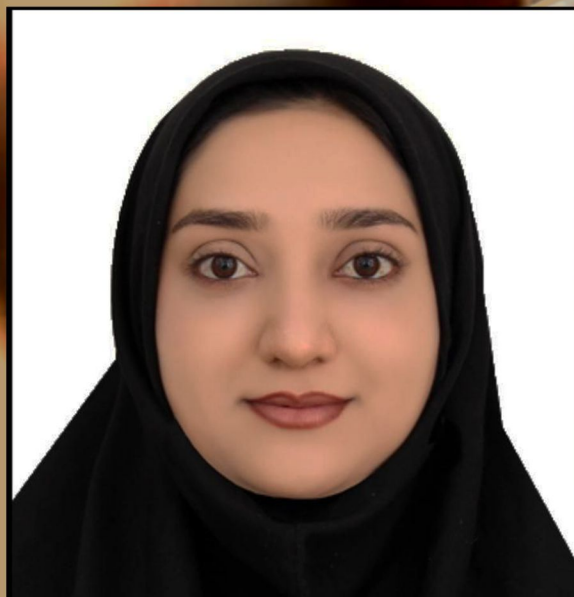
الف-ابتدا در هر پرونده موضوع خواسته طرف باید مشخص و معین باشد. در پرونده حاضر بصورت دقیق مشخص نگردید طلاق عسر و حرجی است یا طلاق خلع است.

ب-معنای استناد به احکام و اصول حقوقی؛ استناد کلی بدون تطبیق آن با موارد خواسته شده از دادگاه نیست. چرا که هر دادگاه مکلف است از صدور حکم کلی اجتناب نماید و باید

بگوید: «نظر به اینکه عدم پرداخت نفقه از قبیل عدم تهیه منزل مسکونی؛ ضرب و شتم و ترک منزل که هر کدام خود مصداق کاملی از عسر و حرج زوجه می‌باشد» که هر یک به تنهایی برای صدور حکم طلاق کفایت می‌کند و با عنایت به پرونده‌های تشکیلی در این خصوص و همچنین نظریه داوران منتخب و شهادت شهود دادگاه با احراز عسر و حرج زوجه؛ حکم به طلاق (بائن) صادر می‌کند...»

ماهیتی

هر پرونده دارای موضوع خاصی است که آن موضوع ماهیت دعوا را تشکیل می‌دهد. در پرونده حاضر موضوع طلاق به دلیل عسر و حرج است؛ که بر اساس ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی با حصول هر یک از موارد اعلامی و یا اثبات مصادیقی که موجبات عسر و حرج را فراهم می‌کند؛ زوجه مستند به آنها می‌تواند دادخواست طلاق خود را ثبت نماید. نکته‌ای اساسی که در حکم اصداری جلب توجه می‌کند بائن خلعی تلقی کردن حکم است که در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نوع طلاق عسر و حرجی مشخص شده است و اصولاً طلاق خلع با طلاق ناشی از عسر و حرج دو مقوله متفاوت می‌باشد. در ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی طلاق خلع یکی از انواع طلاق‌های بائن می‌باشد که دارای شرایط و ارکان خاص خود است؛ که البته بایستی در این خصوص دادگاه صادر کننده حکم علت خلع تلقی کردن را بیان می‌کرد؛ چرا که شعبه دیوان عالی کشور نیز با ظرافت به این امر اشاره می‌کند ولی دادگاه بدوی همچنان به این امر بی‌اعتنایی می‌کند.



گزارش از آمار طلاق
و مولفه های موثر آن در استان بوشهر
فاطمه عزیزی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد بوشهر
کارآموز وکالت

گزارشی از آمار طلاق

و مولفه های موثر آن در استان بوشهر

فاطمه عزیزی

اهمیت این بود که بیشترین طلاق صورت گرفته در گروه سنی همسالانی می باشد که عمر زندگی مشترک آنها زیر یک سال است و این آمار می تواند هشدار مهم و جدی برای خانواده ها و نسل جوان در همسرگزینی باشد.

در ادامه لازم به ذکر است که کمترین میزان آمار طلاق متعلق به زوجین صاحب فرزندی هست که بیش از ۵ سال زندگی مشترک دارند و میزان تفاوت سنی آن ها بین ۳ تا ۵ سال میباشد.

همچنین درصد قابل توجهی از پرونده های طلاق اختصاص به زوجینی دارد که در سنین پایین اقدام به ازدواج نموده و مسیر پذیرش زندگی زناشویی آن ها صرفاً سنتی و تنها با تکیه بر توصیه های غیر قابل تطبیق با واقعیت های موجود جامعه و بدون شناخت متقابل از هم شروع شده است.

البته لازم به ذکر است که علت امار بالایی از زوجین متقاضی طلاق انتخاب کورکورانه، خود رایی و عدم توجه به تجارب و نصایح خانواده، دوستان و مشاوران در این خصوص میباشد.

مشاوران مطرح در زمینه حقوق خانواده، بحث ازدواج و طلاق نظر بر این دارند که مدیران مربوطه و ذیصلاح باید برای ایجاد بسترهای مشاوره قبل از ازدواج و بعد از آن و همین طور در خصوص علم آموزی در باب خانواده، ارتباط صحیح زوجین و سایر موارد مرتبط با موضوع در مقاطع دبستان و متوسطه اول و دوم اقدام نمایند.

اهمیت این بود که بیشترین طلاق صورت گرفته در گروه سنی همسالانی می باشد که عمر زندگی مشترک آنها زیر یک سال است و این آمار می تواند هشدار مهم و جدی برای خانواده ها و نسل جوان در همسرگزینی باشد.

در ادامه لازم به ذکر است که کمترین میزان آمار طلاق متعلق به زوجین صاحب فرزندی هست که بیش از ۵ سال زندگی مشترک دارند و میزان تفاوت سنی آن ها بین ۳ تا ۵ سال میباشد.

همچنین درصد قابل توجهی از پرونده های طلاق اختصاص به زوجینی دارد که در سنین پایین اقدام به ازدواج نموده و مسیر پذیرش زندگی زناشویی آن ها صرفاً سنتی و تنها با تکیه بر توصیه های غیر قابل تطبیق با واقعیت های موجود جامعه و بدون شناخت متقابل از هم شروع شده است.

البته لازم به ذکر است که علت امار بالایی از زوجین متقاضی طلاق انتخاب کورکورانه، خود رایی و عدم توجه به تجارب و نصایح خانواده، دوستان و مشاوران در این خصوص میباشد.

مشاوران مطرح در زمینه حقوق خانواده، بحث ازدواج و طلاق نظر بر این دارند که مدیران مربوطه و ذیصلاح باید برای ایجاد بسترهای مشاوره قبل از ازدواج و بعد از آن و همین طور در خصوص علم آموزی در باب خانواده، ارتباط صحیح زوجین و سایر موارد مرتبط با موضوع در مقاطع دبستان و متوسطه اول و دوم اقدام نمایند.

همینطور طی برآیندی که از فرضیه ها و تجارب مشاوران این حوزه به دست آمده است

دو مقوله مهم ازدواج و طلاق به دلیل اهمیت و جایگاه ویژه ای که در شرع مقدس، قوانین و جامعه بین المللی دارد می تواند از پرمخاطب ترین، پر بازدید ترین و مبتلا به ترین مسائل روز باشد.

همینطور با توجه به کثرت مراجعات و وجود پرونده های حقوقی در مبحث طلاق بررسی زوایای مختلف،

حواشی آن و ارایه طریق جهت تضعیف نطفه های اختلاف خالی از لطف نخواهد بود.

گزارشی از آمار طلاق و مولفه های موثر آن در استان بوشهر با توجه به آخرین گزارشات و آمارهای به دست آمده از ثبت واقعه طلاق، خوشبختانه با کاهش آمار طلاق در سه ماهه نخست امسال نسبت به سال گذشته روبرو بودیم.

مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان بوشهر در خصوص آمار طلاق در استان اشاره کرد: آمار طلاق در استان بوشهر در اوایل سال ۱۴۰۱ با روند نزولی ۱۲ الی ۳ درصدی روبرو است و نسبت به کاهش هر چه بیشتر این آمار در آتی اظهار امیدواری کرد.

همان طور که مستحضر هستید ثبت وقایع ازدواج و طلاق در همه دفاتر ثبت اسناد رسمی به صورت الکترونیکی به سرعت انجام میشود؛ که این امر نه تنها جرایم مربوط به جعل سند یا سو استفاده از آن را کاهش داده، بلکه مسیر فعالان حوزه گزارش نویسی را با سهولت بیشتری در جهت اخذ آمار دقیق یاری کرده است.

آمار پراکندگی ثبت طلاق در حالت های مختلف با تحلیل آمارهای ارائه شده در خصوص طلاق، موضوع حائز

گزارش از آمار طلاق

و مولفه های موثر آن در استان بوشهر

اختلاف شناسایی این رفتارها و درمان سریع آنهاست .

تحقیقات به عمل آمده نشان داده شده که کنترل مداوم ، بی احترامی به یکدیگر ، عدم داشتن تعامل منظم داشتن، انتظارات مالی دور از حد توان از یکدیگر، عدم تفکیک مسائل بیرونی و درونی خانه از مهم ترین چراغ خطر های طلاق می باشد.

در پایان با عنایت به سخنان مقام معظم رهبری در خصوص زنگ خطر کاهش جمعیت و دستور بر ایجاد بسترهای مناسب جهت جهت تشویق خانواده ها به فرزندآوری و تاکید بر تقویت نهادهای حمایتی خانوادگی جهت تحکیم بنیان آن و جلوگیری از طلاق امید می رود که تشکیلات سازمان ها و نهادهای تخصصی و حرفه ای در همین محور ایجاد و با تلاش های مستمر موجبات کاهش هرچه بیشتر آمار طلاق در سالهای آتی را فراهم آورند

همینطور طی برآیندی که از فرضیه ها و تجارب مشاوران این حوزه به دست آمده است ؛ مهمترین عوامل طلاق در استان بوشهر به ترتیب خیانت ، بیکاری ، دخالت اطرافیان ، عدم علاقه زوجین به یکدیگر، اعتیاد، سوء نیت و ضرب و شتم می باشد ؛ که کلیه موارد فوق مورد تایید قضات شاغل در این حوزه قرار گرفته است.

اختلاف طبقاتی و همکفو نبودن زوجین از دیگر عوامل مهمی بود که تعدادی از روحانیان مطرح استان بدان اشاره کرده اند

یکی از پیامدهای تاسف برانگیز ای که این واقعه دارد تاثیر مخرب و نگران کننده ای است که بر فرزندان خواهد گذاشت .

پرخاشگری، کاهش خودمراقبتی ، مشکلات تحصیلی و گرایش به اعتیاد از مبتلا به ترین آثار آن می باشد .

طی مطالعه پرونده های مطروحه در این زمینه مشاهده گردیده که پس از تصمیم به طلاق و اعمال آن تا مدتی زندگی زوجین تحت تاثیر قرار گرفته و از مدار طبیعی خود خارج شده است و در نهایت با عنایت به نظرات روان شناسان در این خصوص میتوان مواردی نظیر ایجاد افسردگی در طرفین، بی طاقتی، ناسازگاری ، بی هدفی و توسل به افعالی نظیر خودکشی را از ثمره های طلاق بدانیم.

بعضی از رفتارها در زندگی مشترک بیانگر وجود مشکلات در روابط زوجین و چراغ خطر طلاق می باشد که یکی از منطقی ترین راه ها برای جلوگیری از ریشه افکنی



یادداشتے بر ماهیت طلاق توافقی

منیرہ رحمتے

عضو مرکز وکلای تهران
کارشناس ارشد حقوق خانواده از دانشگاه امام صادق



یادداشت بر ماهیت طلاق توافقی

شیرین رحمتی

بحث سیاست کنترلی در نکاح و طلاق شواهدی را داراست که مراد کلی آن بر اولویت تشکیل و بنای خانواده و عدم اولویت انحلال نکاح است و تمام ساختارهای قانونی نکاح هم بر مبنای همین اصل می باشد. به اینصورت که بحث انحلال نکاح سیاستی هدایت کننده دارد و مراد از آن منع شتاب زدگی و سهل انگاری در خصوص اجرای طلاق است که از مبرزهای بیرونی آن می توان به اختصاص حق طلاق به یکی از زوجین و از طرفی تصویب قانون حمایت خانواده بعنوان سیستمی برای عقلانی نمودن و کمک به حفظ بنای مقدس خانواده اشاره نمود.

لذا طلاق به عنوان یکی از مهم ترین آسیب های اجتماعی مترتب بر نهاد خانواده همواره در قالب هایی گوناگون مطرح بوده است، در میان انواع قالب های طلاق « طلاق توافقی » به جهت برخورداری از فرایندی به نسبت ساده و کوتاه ، بیش تر مورد توجه قرار گرفته است.

در این طلاق زوجین پس از آن که قادر به ادامه زندگی مشترک نباشند با تنظیم دادخواستی مشترک با امضای طرفین و با قید اصطلاح طلاق توافقی در ستون عنوان خواسته از دادگاه مربوطه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش به صورت توافقی را می نمایند.

اسامی زوجین باهم در ستون خواهان درج گردیده و توافقات به عمل آمده در خصوص اینکه حقوق مالی زوجه همچون مهریه به چه صورتی باید پرداخت شود و اینکه در صورت بذل آن از سوی زوجه آیا زوج بذل را پذیرفته است یا خیر ، و راجع به مطالبات دیگری مانند نفقه زوجه، و تعیین تکلیف (حضانت) اولاد مشترک و دیگر مواردی از این دست در

ستون دادخواست ذکر می گردد. طلاق توافقی در حالت کلی مورد اقبال است و بنابر برخی از اظهارات منتشر شده حدود دو سوم از تقاضاهای طلاق از نوع طلاق توافقی می باشد، و در گزارش های دیگری نیز منتشر شده که حدود ۹۰٪ از طلاق ها بصورت توافقی انجام می شود. به این دلیل که در سایر طلاق ها کشمکش ها بر سر حقوق مالی ، غیر مالی ، فرزندان ، و همچنین نهاد مقدس خانواده را دچار چالش می کند ، و تا زمان تعیین تکلیف در سایر قالب های طلاق که کشمکش های فراوانی مطرح می باشد خود باعث اطاله دادرسی شده و هم اینکه آثار زیان باری را برای زوجین و فرزندان بوجود می آورد؛ پس از این رو با توجه به توضیحات فوق الذکر می توان مواردی از محسنات و موجبات استقبال زوجین راجع به طلاق توافقی را استنباط کرد.

باتوجه به رویه های موجود در محاکم خانواده صدور حکم علی القاعده در این نوع از طلاق ها به طول نمی انجامد و محاکم خانواده سعی دارد ضمن جلب نظر داور که به اصطلاح (ذات البین) می گویند ، حکم را صادر نموده و سپس در راستای صدور حکم صیغه ی طلاق طبق عطف ممیزه طلاق، که صیغه ی طلاق را تنها با اراده زوج به جهت ایقاعی بودن آن، که اراده زوج در آن حاکم است نیز وفق قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اجرای گواهی عدم امکان سازش به رضایت زوج منوط شده است و زوج می تواند به امر طلاق مبادرت ورزد. چنانکه می دانیم توافق زوجین شرط و یا به عبارتی انگیزه طلاق است و اجرای صیغه در هر صورت در اختیار زوج می باشد مگر در مواردی که استثنائاً در طلاق ناشی از حرج زوجه، حاکم ولی ممتنع از

سوی زوج می باشد و یا در طلاق مستند به شروط در واقع زوج حق انحصاری خود را واگذار کرده و زوجه به وکالت از زوج این حق را به معرض اجرا می گذارد و این همان ایقاعی بودن اصل طلاق است که در طلاق توافقی نیز بدین صورت جاری است.

در پایان به اختصار و با توجه به نقش انحصاری زوج برای طلاق از دیدگاه مرحوم دکتر کاتوزیان به این مطلب اشاره می نمایم که به گفته ایشان در حقوق و احکام اسلامی فقط شوهر در باره ی طلاق تصمیم می گیرد؛ پس در موردی که زوجین در باره ی طلاق به توافق می رسند سنت های اخلاقی و مذهبی مانعی برای جدایی آنها ایجاد نمی کند.

از طرفی مطابق ماده ۲۷ قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۹۱ ارجاع به داوری در طلاق توافقی نصی نداشته و تسهیل در روند قضایی این طلاق قرار داده شده و به نوعی هدایت زوجین به درخواست چنین نوعی از طلاق رخ داده شده است ؛ بصورتی که زوجین و به ویژه زوجه برای حصول توافق ناچار می شوند از برخی از حقوق مالی و غیر مالی خود بگذرند.

در حالت کلی اگر بخواهیم ماهیت حقوقی این توافق چه برای جدایی و چه برای ازدواج با همسر دوم و چه برای رجوع ، بررسی نماییم می توانیم اینگونه استنباط کنیم که شرایط این نوع طلاق بصورت کلی به آنچه که طرفین بر آن توافق می نمایند بستگی دارند و طبق ماده ۱۰ قانون مدنی قرارداد های خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است .



مصاحبه با
آقای ایمان دمیری
(قاضی مجتمع قضای خانواده)

مصاحبه کننده: الهه عباسی
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور بوشهر

مصاحبه با آقای ایمان دمیری (قاضی مجتمع قضایی خانواده)

مصاحبه کننده: الهه عباسی

معتقدید که بیشتر چه چالش‌هایی روابط را تهدید می‌کنند؟

از دیدگاه قضایی، پرونده‌های طلاق را می‌توان از یک نظر به حداقل دو نوع پرونده تقسیم کرد:

۱. پرونده‌های طلاق یک‌طرفه
۲. پرونده‌های طلاق توافقی.
پرونده‌های طلاق یک‌طرفه را نیز می‌توان به پرونده‌های طلاق از جانب مرد یا طلاق از جانب زن تقسیم کرد.

علل درخواست طلاق در هر یک از این پرونده‌ها متفاوت است.

در پرونده‌های طلاق به درخواست زن، معمولاً با شرایط اورژانسی و ویژه روبرو می‌شویم. مثلاً اعتیاد شدید مرد، زندانی بودن، بیکاری و غایب‌شدن زوج یا عدم تعادل رفتاری شدید یا بیماری حاد زوج. در این پرونده‌ها، درخواست طلاق بیشتر برای رهاشدن زن از وضعیت غیرقابل تحمل زندگی مشترک ارائه می‌شود.

در پرونده‌های طلاق از جانب مرد می‌توان ردیای نارضایتی‌های جنسی یا تمایل به شروع یک رابطه با شخص جدید را به عنوان اصلی‌ترین عوامل طلاق شناسایی کرد.

اما در پرونده‌های طلاق توافقی، معمولاً با شرایط اورژانسی و حاد مواجه نیستیم. اما زوجین به دلایلی، آزادی زندگی بدون همسر را بر محدودیت‌های ازدواج ترجیح می‌دهند. به عبارتی علت طلاق توافقی بیش از آنکه دافعه زندگی متأهلی باشد، جاذبه‌های ذهنی زندگی بدون همسر است.

در مجموع، در یک دید کلان و با در نظر گرفتن مجموعه عوامل فردی، شخصیتی، اجتماعی، اقتصادی و بیولوژیکی، به نظر می‌رسد محدودیت‌های جنسی زندگی متأهلی و جاذبه و گرایش زندگی

میرسه اینه که چون ما داریم تو فضای حقوقی و به عنوان حقوق‌خوان به این موضوع نگاه می‌کنیم، بهتره که آسیب‌شناسی‌های غیرحقوقی مسأله ازدواج و طلاق رو به متخصصین فن واگذار کنیم و از بعد حقوقی به موضوع طلاق نگاه کنیم.

پاسخ مناسب یک حقوق‌دان به پرسش مربوط به عوامل افزایش طلاق، می‌تونه به راحتی این باشه: نمی‌دونم! چون در این زمینه دانش تخصصی ندارم.

تفاوتی که نگاه حقوقی با نگاه جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی به مسأله طلاق می‌تونه داشته باشه، اینه که از نظر حقوقی، خیلی وقت‌ها طلاق خوب و به موقع، مورد تأیید و مورد تأکید و چه‌بسا که از نظر حقوقی به مسأله طلاق به عنوان یک راه حل نگاه بشه نه به عنوان یک مشکل.

۲. شما آموزش حقوق زوجین و آگاهی‌رسانی به مرد و زن را چگونه تفسیر می‌کنید؟

قابل کتمان نیست که غالب زوجین، حتی زوجین تحصیل‌کرده، اطلاعات ضعیفی از نهادهای حقوقی حاکم بر نهاد خانواده دارند. عدم آشنایی حتی مقدماتی زوجین با حقوق قانونی خود در زندگی مشترک، یکی از عوامل شکل‌گیری و کشدارشدن اختلافات حقوقی و پرونده‌سازی‌های متعدد زوجین در دادگاه است. اطلاع زوجین از حقوق قانونی خود، چه برای ادامه یک زندگی مشترک و چه برای پایان کم‌چالش و کم‌خسارت زندگی مشترک، بسیار موثر و مفید خواهد بود.

۳. پایان رابطه زناشویی دلایل متفاوتی می‌تواند داشته باشد. با توجه به تجربه شما و سابقه کارتان در مجتمع قضایی خانواده،

به عنوان مقدمه مصاحبه اگر ممکن است معرفی کوتاهی از خود داشته باشید.

با سلام. بنده ایمان دمیری هستم، فارغ‌التحصیل رشته علوم قضایی از دانشگاه علوم قضایی تهران. با سابقه ده سال قضاوت، شامل ۶ سال خدمت در سمت‌های قضایی دادسرا و چهار سال خدمت در دادگاه خانواده شیراز.

۱. این مصاحبه برای نشریه پژواک عدالت انجام خواهد گرفت. اولین سوال من از شما به عنوان فردی که سابقه یک دهه قضاوت دارید، این است که از دیدگاه شما در حال حاضر و در سال‌های اخیر، اصلی‌ترین مشکل زوجین و اقدام آنها به طلاق در جامعه چیست؟

یک لطیفه قدیمی هست که می‌گه مهمترین دلیل طلاق، ازدواجه. من می‌خوام بگم با وجود همه سطحی‌بودن این لطیفه، اتفاقاً پیام مهمی در خودش داره. پیامش اینه که ازدواج بد، عامل بسیاری از مشکلاته. اگر ازدواج بد نباشه، مشکلات بعدی هم پیش نمیاد. من فکر می‌کنم که ما باید روی مرحله قبل از ازدواج و پیش‌گیری از ازدواج بد خیلی خیلی تمرکز و سرمایه‌گذاری کنیم، تا اینکه بخواهیم روی مرحله پس از ازدواج و حل مشکلات زوجین اقدام کنیم.

در خصوص علت مشکلات زوجین که منتهی به افزایش طلاق می‌شه، باید لیستی از پاسخ‌های معمول و همیشگی رو بیان کرد. یعنی مشکلات روان‌شناسی، ناسازگاری شخصیتی، مشکلات اقتصادی و اجتماعی، نداشتن توان حل تعارض، تضادهای جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته و...

اما نکته‌ای که این‌جا به ذهنم

مصاحبه با آقای ایمان دمیری (قاضی مجتمع قضایی خانواده)

مصاحبه کننده: الهه عباسی

نمودن حقوق زن تعبیر می‌کنند، نظر خود را نسبت به این نظریه بیان کنید.

من با دیدگاه مطرح‌شده در سوال هم موافق و هم مخالفم. از این نظر که قانون حمایت لازم از حقوق زن را ندارد، موافقم. اما با این حرف که قانون به نفع مرد است، مخالفم. مثلاً در همین مثال طلاق از جانب مرد که در سوال مطرح شده است، اگرچه مرد ملزم به ارایه دلیل نیست، اما برای ثبت طلاق ملزم به پرداخت حقوق مالی زن مثل مهریه و نفقه و اجرت المثل و شرط تنصیف است که خود به اندازه کافی، یک مانع بزرگ در برابر طلاق از جانب مرد است.

بهتر است بگوییم از مجموع قوانین حاکم بر نهاد خانواده، نتایجی حاصل می‌شود که نه به نفع مرد است، نه به نفع زن، نه به نفع نهاد خانواده و نه به نفع جامعه.

به نظر می‌رسد که تنها کسانی که از این وضعیت نفع می‌برند، بنگاه‌های اقتصادی هستند که پیرامون اختلافات خانوادگی شکل گرفته‌اند و از اختلافات خانوادگی کاسبی می‌کنند.

به عبارت دیگر، اختلافات خانوادگی به یک صنعت مالی تبدیل شده‌است. زن و مرد هزینه می‌دهند و هیچ سودی نمی‌کنند.

صورت خصوصی از خدمات مشاوره بهره‌مند شوند.

۵. باتوجه به تجربیات شما و حضور در دادگاه خانواده، آیا می‌توان گفت که بیشتر مردان به دنبال طلاق هستند یا زنان؟

از نظر جنسیتی تفاوتی وجود ندارد، ولی می‌توان گفت انگیزه زنان از تشکیل پرونده‌های خانوادگی، بیشتر بهره‌مند شدن از حقوق مالی خود مثل نفقه و مهریه و اجرت المثل است، در حالی که انگیزه مردان بیشتر حقوق غیرمالی است، مثل تمکین و ازدواج مجدد و طلاق.

۶. شما شرایط حقوقی و قانونی حاکم بر کشور را نسبت به حقوق زوجین چگونه می‌بینید؟

این بهترین سوال شما در این سوالات بود. حقیقت آن است که قوانین حاکم بر نهاد خانواده چه در فرض تصمیم زوجین به ادامه زندگی مشترک، چه در فرض تصمیم به جدایی، به هیچ‌وجه تامین‌کننده حقوق زوجین نیست و در مجموع به جای آنکه گره گشای مشکل باشد، خود مشکل آفرین است. قوانین حاکم بر نهاد خانواده قطعاً نیاز به اصلاح و بازنگری دارند. هدف اصلاح نیز باید این باشد که زمینه نگاه ریاست‌طلبانه از ناحیه مرد و همچنین زمینه نگاه کاسب‌کارانه از ناحیه زن به نهاد خانواده از بین برود.

۷. باتوجه به این‌که سوالات قاضی در دادگاه خانواده، حول محور علت درخواست طلاق از سوی زن است و بحث علت طلاق از طرف مرد از اهمیت چندانی برخوردار نیست، چراکه مردان برای طلاق ملزم به ارائه دلیلی نبوده و برخی این را به منزله پایمال

جنسی آزادانه خارج از ازدواج، پررنگ‌ترین عامل مستقیم یا ریشه‌ای تمایل به پایان یک رابطه حقوقی به نام ازدواج است.

بررسی مساله گرایش جنسی و اهمیت و تاثیر بزرگ آن، موج نوی فضای علمی بیولوژی و روان شناسی و جامعه‌شناسی است و شناسایی درجه اهمیت آن به تدریج به جامعه علمی کشور ما نیز وارد می‌شود.

باز هم به صورت خلاصه و برای درک بهتر مطلب، محدودیت‌های جنسی حاکم بر زندگی متاهلی و آزادی جنسی زندگی مجردی، اصلی ترین عامل (چه به صورت عامل مستقیم، چه به صورت عامل ایجادکننده دیگر عوامل جدایی) مهم‌ترین دلیل تمایل به پایان ازدواج به نظر می‌رسد.

نتایج بسیاری از تحقیقات گسترده در حال انجام در فضای علمی کنونی جامعه ما، تأییدکننده این ادعا خواهد بود، ولی باز هم نظرات علمی متخصصین این حوزه مورد احترام و توجه خواهد بود.

و در خصوص سایر عوامل در رتبه های بعدی

مشاوره های اجباری قبل از طلاق می‌تواند عامل بازدارنده باشد یا صرفاً ایجاد اشتغال برای مشاوران و هزینه برای زوجین شده است؟

اصل مشاوره‌ها حتماً لازم و ضروری است. اما مشاوره اجباری و کوتاه فعلی پاسخ‌گوی نیاز واقعی متقاضیان نیست و به نوعی صوری و بی‌نتیجه است. اساساً مشاوره اجباری در ذات خود واجد تناقض و بی‌نتیجه‌گی است. ذات مشاوره، اختیاری بودن و پذیرش درونی آن است.

خود متقاضیان ازدواج باید به این دانایی برسند که اهمیت مشاوره های قبل از ازدواج را درک کنند تا فعالانه و به اندازه کافی و به



پریسا مرادی

مدرس دانشگاه
کارآموز وکالت

طلاق ناشی از

عسر و حرج زوجه

وفق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی زوجه در صورت اثبات عسر و حرج خود می تواند با مراجعه به محکمه تقاضای صدور طلاق نماید. از دیگر سو وفق ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی طلاق صرفا بر دو قسم باین یا رجعی است. بنا به نص ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی و احصا موارد طلاق باین غالب حقوقدانان اصل بر طلاق رجعی و طلاق باین را خلاف اصل می دانند. محل تامل است که حکم طلاق صادره بر مبنای ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مشمول طلاق رجعی است یا باین. آرا محاکم حاکی از اختلاف نظر در این خصوص می باشد. به نظر می رسد پیش فرض برخی از محاکم رجعی بودن طلاق موصوف بوده لکن جهت حل این مشکل با بذل مهریه آن را باین به حساب می آورند. در حالی که برخی شعب دیوان عالی کشور طلاق صادره را به صراحت طلاق باین می دانند.

پرونده نخست:

دادنامه

شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۰۷۴۱

تاریخ صدور: ۱۳/۰۵/۱۳۹۳

مرجع صدور: شعبه ۲۶ دادگاه

تجدیدنظر استان تهران

دیدگاه: در صورت احراز عسر و

حرج زوجه امکان صدور حکم

بر الزام زوج به طلاق زوجه از

نوع خلع با بذل مهریه (باین)

وجود دارد.

پرونده دوم:

دادنامه

شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۷۰۰۰۲۰۷

تاریخ صدور:

۳۱/۰۳/۱۳۹۳

مرجع صدور: شعبه ۱۰ دیوان

عالی کشور دیدگاه: طلاقی که با درخواست زوجه بر اثر عسر و حرج باشد از نوع باین است زوجه به موجب ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و در صورت اثبات عسر و حرج خود می تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند به نظر می رسد باید این طلاق را از نوع طلاق باین دانست زیرا زوجه پس از طی راه ناهموار و طولانی برای اثبات عسر و حرج از دادگاه حکم قضایی گرفته است و به موجب حکم دادگاه نه با اراده زوج مطلقه شده است اگر این نوع طلاق رجعی باشد مرد می تواند با رجوع خود این اقدام را خنثی کند و فلسفه صدور حکم و رسیدگی قضایی زیر سوال می رود.

در مجموع تفاوت های بسیاری در درخواست طلاق از جانب زوج و زوجه وجود دارد تا قبل اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی دادگاه نمی توانست درخواست مرد مبنی بر طلاق را رد کند اما در اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی درج شده که (با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق نماید) پس تا حدودی برای دادگاه مقدور گشته است تا در صورت غیرمنطقی بودن دعوای طلاق را رد کند شایان ذکر است برای زن شرایطی وجود دارد ولی برای مرد جز ارجاع به داور شرط دیگری نیامده است. شرط داوری در ایران چندان موفق اجرا نشد و داوران به جای اینکه وظایف خود را به درستی انجام دهند به سمت یک کار شکلی رفته اند.

طلاق ناشی از عسر و حرج رجعی نبوده زیرا اولاً فرض بر این است که شارع و قانونگذار حکیم هستند و کار عبث نمی کنند. در صورتی که این طلاق رجعی فرض شود موجب می شود از یک طرف زوجه با رسیدگی های طولانی حکم طلاق را بگیرد و دیگر سو در ایام عده مرد امکان رجوع داشته باشد اساساً طلاق هایی که به درخواست زوج است طلاق های رجعی هستند اما متن صریحی مبنی بر اینکه طلاق به درخواست زوجه رجعی تلقی شود وجود ندارد مگر در خصوص زوج غایب مفقودالاثر که به خاطر مصالحی طلاق رجعی تلقی شده است.

باین بودن طلاق ناشی از عسر و حرج به استناد ضرورت پرسشی مطرح است که آیا طلاقی که به حکم دادگاه و درخواست زن است حتماً باید در قالب خلع مطرح شود یا نهاد جدید است. ظاهراً نهاد جدیدی است. اگر نهاد جدید نبود دو ماده از قانون مدنی به ن اختصاص نمی یافت. منتهی تا حد اطلاع موجود فقها در این خصوص بحث نکرده اند. یعنی دیدگاهی از سمت فقها در خصوص باین یا رجعی بودن این طلاق نیامده است. البته در سوابق فقهی طلاقی به عنوان (عسر و حرج) وجود نداشته و به این جهت فقها متقدم در این خصوص

مطلبی ذکر نکرده اند . اما این موضوع مانع ایجاد نهادی جدید نخواهد بود . لذا از باب ضرورت و به جهت آنکه منطق حکم قانونگذار بلااستفاده نماند این طلاق باید این باشد . نیازی نیست که در فرض مورد بحث طلاق از باب خلع تلقی شود و زن موظف به بذل بخشی از حقوق مالی خویش گردد . به علاوه رجعی بودن این طلاق نقض غرض است . زوجة ای که قادر به ادامه زندگی مشترک نیست سپس او از دادگاه حکم طلاق بگیرد و مرد مجددا رجوع کند .

باین بودن طلاق ناشی از عسر و حرج با استناد به تغییر نظام تقنینی

واضح است که قانون مدنی فعلی بر اساس طلاق در سیستم فقه امامیه وضع شده است. بر اساس روایاتی که مشخص نیست تا چه میزان معتبری غیر معتبر هستند طلاق از حقوق و اختیارات منحصر مرد بوده است که آن قاعده یا روایت در ماده ۱۱۳۳ سابق قانون مدنی منعکس شده بود به این صورت که مرد هر وقت بخواهد می تواند زن خود را طلاق بدهد یعنی سرنوشت طلاق از آغاز تا انجام در اختیار مرد بود . نظام قانون مدنی نیز بر اساس همین تفکر شکل گرفته بود بنابراین همه ی مواد بعد از ماده ۱۱۳۳ بر این اساس تنظیم شدند.

لازم است به فلسفه اصلاح ماده ۱۱۳۳ قنن مدنی و چرایی دخالت قانون توجه کرد . نیک پیدا است که متلاشی شدن نهاد خانواده قواعدی و مقرراتی دارد . غرض این نیست که به زور زوجیت باقی بماند اما به راحتی هم نمی توانند یکدیگر را رها کنند . قانون گذار به حق این سیستم را تغییر داده و به محکمه سپرده و دادگاه نقش کلیدی و اساسی است . دادگاه

شد. زوجة نباید لزوما تمام یا قسمتی از مهر خود را بذل کند . خلع طلاق دیگریست و اگر زوجة ادعای طلاق خلع داشته داشت ، باید در آن قالب مطرح شود . امید است در رویه قضایی زین پس چنانچه حکم طلاق به لحاظ عسر و حرج صادر شد ، بی آن که زن بذل مهریه رهنمون گردد، اصلتا باین قلمداد شود . این رویکرد گام بزرگ به سمت رای وحدت رویه است . امروزه در عمل نمی توان تقاضای رای وحدت رویه کرد، زیرا هیچ دادگاهی به صراحت باین بودن را اعلام نکرده و هیچ دادگاهی نیز آشکارا آن را رجعی ندانسته است .

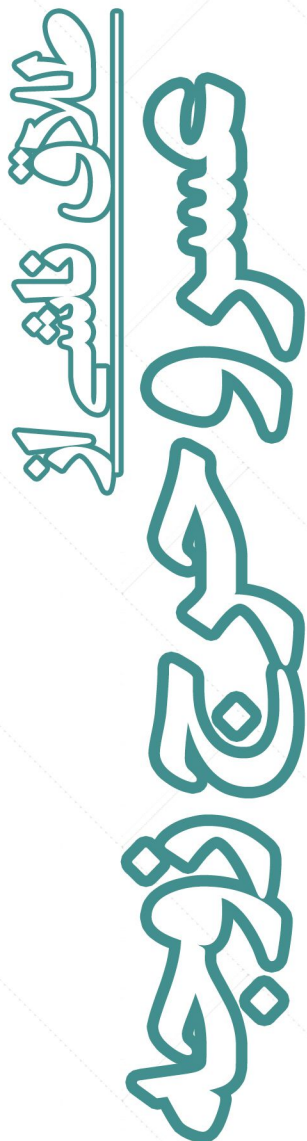
باید به دلایل رسیدگی کند اگر احرار کند مرد حقیقتا زوجة را نمی خواهد باید با همین استدلال با طلاق موافقت کند چرا که قاضی قانع شده است ولی این که مردی تقاضای طلاق کند و نیازی به ثبات نباشد خلاف ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی است برای جلوگیری از طلاق های احساسی آتی سعی شد مانعی ایجاد شود . حال جای تامل است که چرا مردی زنش را به موجب مجوز دادگاه طلاق داد باید مانع حق رجوع وی شد. بنابراین اگر در این فرض طلاق رجعی قلمداد نشود ، اصل را عوض کرده و به یکباره جایگاه طلاق رجعی کاملا محدود شده است .

در جمع بندی کلی نکات ذیل حائز اهمیت است :

۱. به نظرم طلاق قضایی را طلاق می دانند که دادگاه حکم می دهد ، نه هر طلاقی که مسیر دادگاه را طی کند. پس با این وصف طلاق های موضوع ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی جز طلاق های قضایی است ولی صدور گواهی عدم امکان سازش و مواردی که متقاضی طلاق مرد است و قانون مراجعه به دادگاه را تکلیف کرده است ، طلاق قضایی نخواهد بود .

۲. ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی مربوط به زمان خود بوده و قانونگذار در خصوص طلاق قضایی تصریحی به نوع طلاق نکرده است ، اما با توجه به تفاسیر و استدلال هایی که در جلسه بیان شد نباید تردید کرد که طلاق به موجب ماده ۱۱۳۰ جز طلاق های باین است . در واقع بهتر است گفته شود ماده ۱۱۴۵ نسخ نشده ، انا دامنه ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی وسیعتر گشته است و طلاق قضایی از مصادیق طلاق باین به حساب می آید .

۳. باید بین طلاق ناشی از عسر و حرج و طلاق خلع تفاوت قایل



طلاق ناشی از

عسر و حرج زوجة

مطلبی ذکر نکرده اند . اما این موضوع مانع ایجاد نهادی جدید نخواهد بود . لذا از باب ضرورت و به جهت آنکه منطق حکم قانونگذار بلااستفاده نماند این طلاق باید این باشد . نیازی نیست که در فرض مورد بحث طلاق از باب خلع تلقی شود و زن موظف به بذل بخشی از حقوق مالی خویش گردد . به علاوه رجعی بودن این طلاق نقض غرض است . زوجه ای که قادر به ادامه زندگی مشترک نیست سپس او از دادگاه حکم طلاق بگیرد و مرد مجدد رجوع کند .

باین بودن طلاق ناشی از عسر و حرج با استناد به تغییر نظام تقنینی

واضح است که قانون مدنی فعلی بر اساس طلاق در سیستم فقه امامیه وضع شده است. بر اساس روایاتی که مشخص نیست تا چه میزان معتبری غیر معتبر هستند طلاق از حقوق و اختیارات منحصر مرد بوده است که آن قاعده یا روایت در ماده ۱۱۳۳ سابق قانون مدنی منعکس شده بود به این صورت که مرد هر وقت بخواهد می تواند زن خود را طلاق بدهد یعنی سرنوشت طلاق از آغاز تا انجام در اختیار مرد بود . نظام قانون مدنی نیز بر اساس همین تفکر شکل گرفته بود بنابراین همه ی مواد بعد از ماده ۱۱۳۳ بر این اساس تنظیم شدند.

لازم است به فلسفه اصلاح ماده ۱۱۳۳ قنون مدنی و چرایی دخالت قانون توجه کرد . نیک

پیدا است که متلاشی شدن نهاد خانواده قواعدی و مقرراتی دارد . غرض این نیست که به زور زوجیت باقی بماند اما به راحتی هم نمی توانند یکدیگر را رها کنند . قانون گذار به حق این سیستم را تغییر داده و به محکمه سپرده و دادگاه نقش کلیدی و اساسی است . دادگاه باید به دلایل رسیدگی کند اگر احرار کند مرد حقیقتاً زوجه را نمی خواهد باید با همین استدلال با طلاق موافقت کند چرا که قاضی قانع شده است ولی این که مردی تقاضای طلاق کند و نیازی به ثبات نباشد خلاف ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی است

برای جلوگیری از طلاق های احساسی آتی سعی شد مانعی ایجاد شود . حال جای تامل است که چرا مردی زنش را به موجب مجوز دادگاه طلاق داد باید مانع حق رجوع وی شد. بنابراین اگر در این فرض طلاق رجعی قلمداد نشود ، اصل را عوض کرده و به یکباره جایگاه طلاق رجعی کاملاً محدود شده است .

در جمع بندی کلی نکات ذیل حائز اهمیت است :

۱. به نظرم طلاق قضایی را طلاقی می دانند که دادگاه حکم می دهد ، نه هر طلاقی که مسیر دادگاه را طی کند. پس با این وصف طلاق های موضوع ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی جز طلاق های قضایی است ولی صدور گواهی عدم امکان سازش و مواردی که متقاضی طلاق مرد است و قانون مراجعه به دادگاه را تکلیف کرده است ، طلاق قضایی نخواهد بود .

۲. ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی مربوط به زمان خود بوده و قانونگذار در خصوص طلاق قضایی تصریحی به نوع طلاق نکرده است ، اما با توجه به تفاسیر و استدلال هایی که در جلسه بیان شد نباید تردید کرد که طلاق به موجب ماده ۱۱۳۰ جز

پیدا است که متلاشی شدن نهاد خانواده قواعدی و مقرراتی دارد . غرض این نیست که به زور زوجیت باقی بماند اما به راحتی هم نمی توانند یکدیگر را رها کنند . قانون گذار به حق این سیستم را تغییر داده و به محکمه سپرده و دادگاه نقش کلیدی و اساسی است . دادگاه باید به دلایل رسیدگی کند اگر احرار کند مرد حقیقتاً زوجه را نمی خواهد باید با همین استدلال با طلاق موافقت کند چرا که قاضی قانع شده است ولی این که مردی تقاضای طلاق کند و نیازی به ثبات نباشد خلاف ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی است

برای جلوگیری از طلاق های احساسی آتی سعی شد مانعی ایجاد شود . حال جای تامل است که چرا مردی زنش را به موجب مجوز دادگاه طلاق داد باید مانع حق رجوع وی شد. بنابراین اگر در این فرض طلاق رجعی قلمداد نشود ، اصل را عوض کرده و به یکباره جایگاه طلاق رجعی کاملاً محدود شده است .

در جمع بندی کلی نکات ذیل حائز اهمیت است :

۱. به نظرم طلاق قضایی را طلاقی می دانند که دادگاه حکم می دهد ، نه هر طلاقی که مسیر دادگاه را طی کند. پس با این وصف طلاق های موضوع ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی جز طلاق های قضایی است ولی صدور گواهی عدم امکان سازش و مواردی که متقاضی طلاق مرد است و قانون مراجعه به دادگاه را تکلیف کرده است

وکالت در طلاق

وابعاد مختلف آن



زینب رئیس الذاکرین

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه قم

مقدمه

متأسفانه امروزه شاهد این هستیم که موضوع طلاق در جامعه ما بسیار شیوع یافته است و مردم بسیاری جهت طلاق به مراجع ذیصلاح مراجعه میکنند. اما متأسفانه بعلت نا آشنا بودن زوجین با قانون خانواده، عدم اطلاع از روند مراحل قانون، جهل راجب حقوقی که به زوجین تعلق میگیرد، نقص در قانون خانواده میبینیم اکثر زوجین علاوه بر آسیب های عاطفی احساسی که با آن مواجه هستند، بلحاظ مالی و حقوقی نیز ضررهای زیادی را متحمل میشوند. در حالیکه بلحاظ اخلاقی جایز نیست که اینگونه باشد.

از طرفی برای رفع تنش ها و صرفه جویی در زمان و هزینه، مسئله اعطای وکالت در طلاق بسیار رایج شده که لازم است به بررسی تخصصی آن بپردازیم و قطعا بعلت نیاز مردم جامعه و کاربردی بودن موضوع بسیار مورد استقبال قرار خواهد گرفت.

گرفتن حق طلاق به دو صورت است: اول اینکه به صورت شرط ضمن عقد در سند نکاحیه نوشته شود (که حتما لازم است پس از شرط نمودن و ثبت در شرایط عقد حتما به دفتر اسناد مراجعه و این وکالت را ثبت رسمی نمود چرا که ذکر این شرط به تنهایی ارزش قانونی ندارد)

از جانب زوج مطلقه سازد هر چند در این موارد نیز در حقیقت زوج است که طلاق می دهد و اثر آن با موردی که زوجه راس مبادرت به طلاق می کند یکسان است و زوجه نیز حق خواهد داشت رابطه زوجیت خود را به مردی که ادامه نکاح با وی را مضر به حال خود می بیند، خاتمه دهد.

۲- وکالت طلاق مقید : این وکالتنامه نیز با توجه به معنی لغوی واژه مقید مشخص است که چه نوع وکالتی است و چون معمولا زوج حق طلاق مطلق را برای مطلقه ساختن زوجه نمی دهد، بلکه آن را به شروط مقید می سازد که اگر آن شروط محقق شد زوجه بتواند خود را مطلقه سازد. در وکالت مقید تمسک به شرط و استفاده از وکالت زوجه مقید به تحقق اموری در خارج می شود که موارد عمده آن در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی آمده اند.

سوال: در مواردی که زوجه با استناد به وکالت از جانب زوج اقدام به طلاق خود می کند، آیا این طلاق رجعی است یا بائن؟

اکثر حقوقدانان کلیه مواردی که بنا به درخواست زن طلاق به حکم دادگاه واقع می شود را طلاق بائن دانسته اند و برای نظر خود دلایلی آورده اند. اگر

دوم اینکه زوج به یکی از دفاتر اسناد رسمی مراجعه می کند و وکالت در طلاق به همسرش میدهد. اگر چنانچه زوج خارج از کشور باشد می تواند به سفارت یا کنسولگری ایران مراجعه کند و حق طلاق را به هر کسی که بخواهد و یا طبق روال رایج به همسرش بدهد.

دارنده حق طلاق (زوجه) می تواند با داشتن یک وکیل برای طلاق و مراجعه به دادگاه خانواده حق طلاق خود را بدون نیاز به حضور شوهر اعمال نماید و در نتیجه بهترین راه برای طلاق همین طلاق است که بیان شد که طی آن توافقات آنان در موارد مختلف مثل مهریه و جهیزیه و حضانت فرزندان و ... در وکالتنامه نگاشته شده و زن با در دست داشتن این وکالتنامه به راحتی و به دور از تنش و اختلافات بیشتر خودش به محاکم قضایی مراجعه و به روند طلاق خود رسیدگی می کند.

انواع وکالت در طلاق و واگذاری حق طلاق

۱- وکالت طلاق مطلق: در وکالت طلاق یا حق طلاق مطلق همانگونه که از نامش مشخص است، تحقق امری در عالم خارج شرط نمی باشد بدین صورت که زوج به زوجه وکالت می دهد هر وقت بخواهد خود را

و تسهیل در روند پرونده بهره برد و با مشکل مواجه می‌شود و همچنین راجب عزل و ضم وکیل که زوجه می‌باشد.

بطان وکالتنامه

(۱) در صورت فوت فرد
(۲) در صورتیکه فرد سفیه یا محجور شود
(۳) در صورتیکه فرد صغیر باشد
که در صورت حصول این موارد وکالتنامه باطل خواهد شد.
مدت زمان طلاق از طرف زوجه بر طبق قانون طلاق و آیین دادرسی مدنی، طلاق پرونده ای است که با اعتراض هر کدام از زوجین ۳ دادگاه را طی می‌کند. دادگاه بدوی، دادگاه تجدید نظر استان مربوطه، دیوان عالی کشور. در فرض اینکه پرونده با اعتراض، هر سه دادگاه را پشت سر بگذارد حدود یکسال زمان خواهد برد مگر اینکه یکی از طرفین اعتراض نکند.

دادگاه صلاحیتدار برای طلاق زوجه با وکالتنامه در طلاق در مورد همه ی مواردی از قبیل جهیزیه و حضانت و نفقه دادگاه صالح بین حالتی که زن وکالت در طلاق دارد یا خیر، یکسان است ولی درباره ی دارا بودن وکالت در طلاق، رویه یک مقدار متفاوت است.

به این صورت که ابتدا زوجه پس از گرفتن وکالتنامه اگر نیاز به وکیل داشته باشد ابتدا برای تسریع در روند طلاق و سهولت در امور خود یک وکیل از جانب مرد می‌گیرد و اگر نخواهد خود با مدارک لازم به دفتر خدمات قضایی مراجعه نموده و

دادخواستی تحت عنوان «طلاق به درخواست زوجه» تنظیم میکند.

پس از ابلاغ زمان جلسه، در جلسه حاضر شده و پس از طی مراحل مشاوره یا داورى که محدود بوده و زمان زیادی هم

رجعی، خلع یا مبارات با هر شرط و قرار و قبول بذل عین مهریه یا معادل یا کمتر و یا بیشتر از آن و با هر شرط ضمن العقد، تعیین تکلیف حضانت و ملاقات و نفقه فرزند یا فرزندان مشترک اعم از قبول یا رد سرپرستی، معرفی و انتخاب داور و قبول یا رد نظریه داورى، حق اعتراض به رای، تجدیدنظر و فرجام خواهی و حق اسقاط آنها، استرداد دعوی یا دادخواست و حضور در هر یک از دفاتر رسمی ثبت طلاق و اجرای صیغه شرعی طلاق و امضاء ذیل و ظهر کلیه اوراق و اسناد و دفاتر مربوطه و ثبت طلاق در شناسنامه موکل و همچنین انجام سایر تشریفات لازم و قانونی با اختیارات کامل به نحوی که در هیچ یک از مراحل نیاز به حضور و امضای مجدد موکل نباشد.

حدود اختیارات: وکیل مرقوم با حق توکیل بغير جزا و یا کلاً و لو کرارا " ومع الواسطه در عزل و نصب وکلای انتخابی در انجام دادن تمامی تشریفات قانونی مورد وکالت از طرف موکل اختیار تام داشته و امضاء و اقدامات نامبرده به منزله امضاء و اقدام موکل نافذ و معتبر است و موکل ضمن عقد خارج لازم حق عزل و ضم وکیل و انجام هر گونه عمل مغایر با مفاد این سند را تا انجام کامل مورد وکالت از خود سلب و ساقط نمود.

نکات وکالتنامه

* در هنگام ثبت و تنظیم وکالت در دفاتر اسناد حتماً باید سه مورد زیر در داخل وکالت نامه نوشته شود:

(۱) حق توکیل به غیر دارد

(۲) حق عزل وکیل را ندارد

(۳) حق ضم وکیل را ندارد

پس چنانچه اگر مثلاً در متن وکالتنامه حق توکیل به غیر اجازه داده نشود زن نمیتواند از وکیل دادگستری جهت تسریع

چه این استدلالات اگر برای طلاقى که بر مبنای عسر و حرج صادر میگردد بتواند موجه باشد ولی در مورد بحث ما که طلاق از جانب زوج انجام می‌گیرد توجیه مناسبی نیست یعنی با پیروی از فقه و استفاده از نظر امام خمینی (ره) باید معتقد شد که این طلاق اخیر رجعی است و می‌توان بر این ادعا استدلالات ذیل را اقامه نمود:

از آنجایی که حفظ کانون خانواده از اهداف اولیه قانونگذار است باید تا آنجا که ممکن است از گسیخته شدن این نهاد مقدس پرهیز نمود و این پیوند را با اندک پیشامدهای خلاف میل دچار از هم پاشیدگی قرار نداد.

اصل رجعی بودن طلاق مقتضی این است که تا زمانی که نص خاصی مبنی بر بائن بودن طلاق نداشته باشیم حکم اصل را جاری سازیم، علی الخصوص اینکه ماده ۱۱۴۵ قانون مدنی این گونه طلاق را در ردیف انواع طلاقهای بائن محسوب ننموده است. بنابراین به نظر می‌رسد طلاق موضوع ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی رجعی باشد یعنی صرفاً در مرحله سوم و پس از دوبار رجوع، بائن خواهد گردید چه قاضی در امر طلاق مداخله کرده باشد و یا چه نکرده باشد.

متن وکالتنامه یا حق طلاق از طرف شوهر به زن

مورد وکالت : تمامی اختیارات راجع به امر دادرسی در هر یک از مراجع قضایی و محاکم عمومی و خانواده و دیگر مراجع صالحه و ذریبط و تقدیم دادخواست و انتخاب و انعقاد قرارداد وکالت با هر یک از وکلای دادگستری و مطلقه نمودن خانم ... (وکیل) از قید زوجیت موکل و یا صدور حکم طلاق فی مابین آنان به هر قسم از طلاق اعم از بائن،

نمی برند، اگر همچنان از درخواست خود پشیمان نشود، مجدداً جلسه ای تشکیل و در آن رای نهایی به نفع زن و حکم به طلاق او صادر میشود که همانطور که پیش تر بیان شد با توجه به مفاد وکالت در طلاق نیازی به حضور زوج نبوده و جلسه تنها با حضور زوجه و وکیل که از جانب زوج است تشکیل و سپس زوجه برای اجرای رای بدون نیاز به مرد، به دفتر ثبت طلاق مراجعه و طلاق خود را ثبت مینماید.

وکالت در طلاق

«مهرم حلال و جانم آزاد»



آزاده نژادحسن

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد مشهد

متأسفانه یکی از شایع ترین جملاتی که اکثراً در فیلم و سریال ها شاهد آن بودیم و یا از طریق اطرافیان و وابستگان به گوش ما رسیده است عبارت: «مهرم حلال و جانم آزاد» است. اما این عبارت از کجا نشأت گرفته است و چه چیزی باعث شده حد و حدود مهریه را با جان یک انسان مقایسه کنیم؟

طلاق در فقه و لغت به معنای پایان شرعی و قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است و در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی که بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته از میان میرود. طلاق معمولاً وقتی اتفاق میافتد که استحکام رابطه زناشویی از بین میرود و میان زوجین ناسازگاری و تنش وجود دارد و به حدی میرسد که زوجین صلاح و مصلحت خود و خانواده ی خود را، در دوری از یکدیگر میبینند. در اثر فسخ طلاق اثری بر مرد و زن چه از لحاظ حقوقی چه از لحاظ فشارهای روانی اطرافیان و وابستگان تحمیل میشود.

بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی حق طلاق را برای مردان حتی بدون داشتن هیچ عذر موجهی به رسمیت شناخته شده است. بنابراین اراده و اختیار مطلق طلاق با مرد است اما این به این معنا نیست که می تواند راساً به دفاتر ثبت ازدواج و طلاق برای ثبت طلاق مرجعه کند بلکه باید ابتدا روال

سوق داده است. همانطور که میدانید یکی از شرایط عقد نکاح تعیین مهریه برای زوج است. اما چرا مرد مکلف است به دادن این مهر به همسر خود است؟

در بررسی آیات و روایت فقهی چنین آمده است که: «ومهریه زنان را به عنوان هدیه ای الهی با میل و رغبت [و بدون چشم داشت و م نیت گذاری] به خودشان بدهید» (ایه ۴ سوره مبارکه نسا) در متن عربی این آیه از کلمه ی صدق به عنوان مهر استفاده شده است که احراز کننده قصد و نیت واقعی مرد برای ازدواج و تشکیل یک خانواده با یک زن است.

همچنین تعیین میزان مهر با توافق طرفین و بر اساس عرف خانواده ها و شان و شئون آنها صورت میگیرد.

اما چه چیزی باعث شد که این هدیه، تبدیل شود به بهای جان یک انسان؟ متأسفانه در اکثر طلاق های پیش رو با ذهنیتی دور از شان انسانی مواجه هستیم. اقایان به دلیل حق طلاقی که در شرع و قانون برای آنها پیش بینی شده است، پروسه حقوقی کمتری نسبت به بانوان برای طلاق طی میکنند. خداوند متعال برای تحکیم این پیوند عنوان مهریه را بیان کرده است اما بشریت همواره به دنبال راه های فرار و اسان ترین راه و بی دغدغه ترین راه برای خود گشته است به

قانونی آن طی شده و حق و حقوق زن به طور کامل پرداخت شود که بر اساس همین ماده، تقاضای طلاق از طرف مرد، نیازمند طی مراحل همچون ارجاع به داوری و دریافت گواهی عدم امکان سازش و انجام تشریفات مانند پرداخت حقوق مالی زوجه می باشد. البته ذکر این نکته هم حائز اهمیت است که در مواردی نیز این حق به زن نیز داده است که میتواند با احراز هر کدام از شروط مقرر در سند ازدواج، طلاق خود را از دادگاه درخواست کند. در همین راستا تبصره ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مقرر می دارد: "زن نیز می تواند با وجود شرایط مقرر در مواد (۱۱۱۹)، (۱۱۲۹) و (۱۱۳۰) این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق نماید." علاوه بر مواد ذکر شده، یک مورد دیگر از موارد حق طلاق زن در ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی پیش بینی شده است. بنابراین، موارد طلاق از طرف زن، در قانون مدنی، چهار مورد بوده است که عبارتند از: «وکالت در طلاق برای زوجه، عدم پرداخت نفقه از سوی زوج یا ناتوانی در پرداخت نفقه و

عسر و حرج زوجه». اثبات هر کدام از موارد فوق دارای پروسه ای طولنی در دادگاه های خانواده و همچنین مشغله های فکری فراوانی برای زوج و زوجه و خانواده گشته است که جامعه را به سمت عبارت: «مهرم حلال و جانم آزاد»

درست در جامعه و بیان این مطلب که مهریه به معنای واقعی مهری است که مرد برای احراز حسن نیت خود در زندگی با او به زن میبخشد نه به عنوان طلبی مالی که زن از مرد دارد و همچنین رواج این طرز تفکر به بانوان و آقایان سرزمینم که جایگاه پیوند زناشویی بسیار بالتر و با عظمت تر از مبلغ معینی از پول و مال دنیا است که به خاطر آن یکدیگر را در تنگنا قراردسیم بتوانیم شاهد کاهش سهم قابل توجهی از پرونده های این چنینی در دادگاه های خانواده باشیم.

طوری که در اکثر پرونده های طلاق شاهد آن بودیم که مرد وظایف خودش را به عنوان یک همسر چه از لحاظ عاطفی ، جنسی و... را در خانواده به جا نمی آورد یا در بعضی از پرونده های نیز مشاهده شده است که فرد به ازار و اذیت همسر خود میپردازد . اما چرا؟

پاسخ به این چرایی باعث پدیدار شدن همان جمله معروف : «جانم ازاد و مهرم حلال میشود» بعضی آقایان با انجام این عمل ناشایست و در تنگنا قراردادن همسرانشان قصد ابرا مهریه را از سمت زوجه خود دارند تا دیگر مجبور به پرداخت این مهر به او نباشد. همانطور که خداوند متعال هم این رویه را پیش بینی کرده و در آیه ی ۱۹ سوره مبارکه نسا فرمودند : «و آنان را در تنگنا و فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را [به عنوان مهریه] به آنان داده اید پس بگیرید».

بنابراین بانوان با بخشیدن این مهر به همسران خود ، در عوض از او درخواست میکنند که با رضایت خود به طلاق توافقی پروسه دادگاه را کوتاه تر کرده و زودتر این عمل پایان پذیرد. ذکر این نکته نیز خارج از لطف نیست که برعکس این رویه نیز در میان بانوان رواج دارد. بانوانی که از این مهر سواستفاده کرده و برای تحمیل سختی بیشتر مرد و رضایت او به طلاق توافقی مهریه خود را به اجرا گذاشته و تحمیل گر حبس های گاه طولنی به دلیل عدم توان مرد در پرداخت مهریه به همسران خود میشود.

در نهایت باید بیان دارم که این گروکشی باعث تضعیف بنیاد خانواده ها و کانون های گرم خانواده و افزایش مردان و زنان مطلقه در جامعه میشود که خود اثرات جبران ناپذیری را برجای خواهد گذاشت. شاید بتوان با فرهنگ سازی های



نسترن داودی

دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه پیام نور بوشهر

بررسی پدیده طلاق

پدیده ی طلاق

طلاق یک پدیده ی روانی است، زیرا نه تنها بر تعادل روانی دو انسان (زن و مرد)، بلکه فرزندان، دوستان، بستگان و نزدیکان آنها تاثیر میگذارد.

چیزی که کاملاً واضح و مشخص است این است که اوضاع عشق در جهان و کشور ما اصلاً خوب نیست، طبق آمارهای به دست آمده در کشور ما ایران در هر ساعت ۲۰ زوج از یکدیگر جد میشوند یعنی ما در هر یک ساعت به طور میانگین شاهد فروپاشی ۲۰ خانواده میباشیم.

طبق بررسی های انجام شده اغلب طلاق ها معمولاً ۷ سال اول ازدواج رخ میدهند، شاید به این علت که زوجین همچنان به درک عمیقی از زندگی مشترک نرسیده اند.

این پدیده که در معنای لغوی به معنی «رها شدگی» است از دیدگاه های مختلفی چون فرد، جامعه، اقتصاد، فرهنگ و... قابل اعتنا است.

آثار طلاق

این آثار میتواند حالت های گوناگونی داشته باشد، گاه ممکن است فرد پس از طلاق به علت نبود ناگهانی همسر در کنارش دچار آشفتگی و اضطراب وحس تنهایی و ناامنی شود (به خصوص بانوان)، اما گاه ممکن است همانطور که به معنای لغوی طلاق اشاره کردیم فرد احساس

به عمق مشکلات خانواده و نحوه برخورد آن ها دارد اما براساس روانشناسی طلاق کودکانی که پس از طلاق با پدر و مادر خود در ارتباط هستند روحیه ی بهتری خواهند داشت.

چه باید کرد؟

همانطور که میدانید ازدواج یک هنجار اجتماعی است که اصولاً طبق توافق طرفین بر اساس یک سلسه اصول شکل میگیرد و دوام و بقای این هنجار اجتماعی بستگی به پایبندی خانواده بر اصل و اساس این اصول دارد.

چه بهتر است این مسئله فرهنگ سازی شود و قبل از عمل ازدواج، جوانان ما با مراجعه به مشاوران خبره و انجام آزمون های مربوطه زیر نظر مشاور خود به یک شناخت نسبی از خود و طرف مقابل جهت آغاز زندگی برسند و در نهایت بدانند که بنیان یک خانواده را تفاهم و درک متقابل میسازد.

رهاشدگی و آزادی نماید زیرا در آن رابطه احساس امنیت و آزادی را نداشته و یا بهتر است بگوییم به علت عمیق بودن مشکلات او از این رها شدگی احساس نشاط و شادمانی دارد. یکی دیگر از این آثار زیان اقتصادی است که بیشتر خانم ها مورد تهدید آن قرار میگیرند.

طلاق عاطفی

این طلاق به گونه ای است که زن و مرد در کنار یک دیگر زیر یک سقف زندگی مینمایند اما این زندگی بدور از هر گونه روابط عاطفی - جنسی است و روال زندگی به صورتی کاملاً سرد طی میشود و تقریباً فقط یک هم خانه هستند.

براساس روانشناسی طلاق معمولاً علت عدم اقدام زوجین به طلاق قانونی و رسمی، داشتن فرزند و یا دیدگاه جامعه و خانواده به طلاق میباشد.

طلاق و کودکان

براساس روانشناسی طلاق کودکان طلاق اصولاً تحت آسیب ها و فشار های روانی چون خشم، اضطراب، افسردگی و... میشوند.

این عوامل ذکر شده برگرفته از روابط پدر و مادر در قبل و بعد از طلاق است که کودک را مورد هجوم قرار میدهد. میزان این آسیب ها بستگی

برای بار هزارم اتاق را متر کردم. برای بار هزارم به پانزده بهار و تابستانی که گذشت فکر کردم و پانزده پاییز و زمستان

برای بار هزارم به پانزده سال زندگی، به پانزده سال گذشته فکر کردم، و باز تنها صدایی که در مغزم می شنیدم سکوت بود و سکوت. در و دیوار و سقف خانه بر رویم سنگینی می کرد. حتی نمی توانستم راحت نفس بکشم. گرفتن چنین تصمیمی سخت بود. پای عمری که گذشت در میان بود. انگار که در و دیوار هم از سنگینی حجم اندوه و غمی که در قلبم بود، خبر داشتند. به هر نقطه ای که خیره می شدم، تمام خاطرات به یادم می آمد. از قاب عکس روی دیوار تا جهیزیه ای که با کلی ذوق و شوق خریده بودم. هنوز آن صدای سال های قبل توی گوشم بود: «سیمین! خوشبخت ترین می کنم... بهترین زندگی رو برات می سازم...»

هوای خانه عین سم بود. دیگر نباید می ماندم. با چشمانی که سردرگمی و کلافگی را داد می زدند، از خانه بیرون زدم

فقط به کمی اکسیژن نیاز داشتم؛ به کمی نفس کشیدن. چیزی که پانزده سال و پنج ماه و بیست و پنج روز با آن غریبه بودم. پاهایم دیگر تحمل من را نداشتند. حتی مغزم توان تحمل این حجم از افکار را نداشت....

صدای خنده و جیغ بچه ها را می شنوم. از دور آنها نگاه می کنم. هر کدام به سمتی می دوند، فارغ و رها از غم دنیا از مشکلات آدم بزرگها!

آدم بزرگ هایی که در حسرت یک لحظه بچگی کردن عمرشان را می گذرانند. نفس عمیقی می کشم تا بتوانم کمی از این حجم افکارم را کنترل کنم. دخترم، دخترم سرمه چه؟ بچه ام را چه کنم؟

نگاهی به ساعت می اندازم. حتما تا حالا برگشته اند خانه، ولی من نمی توانم برگردم. باید برگردم اما حالا نه

بی پناه ترین و بی کس ترین آدم دنیا بودم، تنها کسی که در آن لحظه به ذهنم رسید، مادرم بود.

تنها جایی که حس بی پناهی و بی کسی نمی کردم آغوش مادرم بود. یادم نمی آید چطور بلند شدم

و چطور خودم را رساندم به او. کلید را انداختم و رفتم وسط هال نشستم. مادرم توی اتاق بغلی داشت نماز می خواند. من را که دید جا خورد. عادت نداشتم این وقت روز بروم خانه اش. هیچ وقت سرزده نیامده بودم. با سکوت نگاهم کرد. او که نمی دانست! او که خبر نداشت! ولی نگاهش به من عین نگاه آدمی بود که از همه چیز خبر دارد

خبرهای بد زود می رسند. برای رساندن خبر بد لازم نیست دهان باز کرد و تعریف کرد. در و دیوار، خبرهای بد را می رسانند فاش می کنند و مادرم از سکوت من همه چیز را فهمیده بود

مثل همیشه سینی چای اش قبل از خودش رسید. ما در سکوت زل زده بودیم به هم. او چای اش را شیرین می خورد و من تلخ



مریم سالمی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور استان بوشهر

دوستان کوتاه

حالت تلخ



نگاهم کرد و گفت: «سیمین! مادر! لاقل با یه تیکه شیرینی چاییتو بخور، تو که چایی تلخ نمی‌خوردی دخترم!»

بیشتر سنگین شدم. این دفعه سوزش اشک را در چشم‌هایم حس کردم. با خودم زمزمه کردم: «شیرین بخورم که چاییم تلخ نباشه؟ آره من چایی تلخ نمی‌خوردم، اما اونقدر زندگیم تلخه که دیگه تلخی چایی رو حس نمی‌کنم»

قند کوچکی برداشتم و توی دهانم گذاشتم.

استکان چای را محکم تر گرفتم و زل زدم به در و دیوار خانه. قند در دهانم حل شد و مزه عجیبی چشیدم. شیرینی؟ هه! خنده‌دار بود، حتی یادم نمی‌آید کی برای آخرین بار مزه شیرینی رو حس کردم.

شوه‌رت کجاست؟

مادرم بود که قفل سکوت را شکست، باز هم نتوانستم نگاهش کنم. همان‌طوری که زل زده بودم به در و دیوار، شانه‌هایم را انداختم بالا و گفتم: «لابد الان خونه‌ست!»

سرمه چی؟ اونم حتما خونه‌ست؟ چیزی شده دخترم؟

فقط کافی بود زل بزمن به مادرم تا بغض چندین و چند ساله‌ام بشکند. دیگر توان تحمل نداشتم، اشک‌هایم یکی پس از دیگری می‌ریختند. حتی نمی‌توانستم حرف بزمن. بدنم، روحم چنان درد می‌کرد که فقط و فقط خالی‌شدن کاسه چشم‌هایم می‌توانست آرامم کند.

به جای اینکه سبک بشوم، رفته رفته سنگین‌تر می‌شدم. گریه‌ام شدت می‌یافت و دردم بیشتر می‌شد. دیگر گریه‌هایم هم حتی شبیه به گریه نبودند و صدای جیغ‌کشیدن خودم را می‌شنیدم. مادر بیچاره و از همه‌جا بی‌خبرم با صورتی وحشت‌زده زل زده بود به من. آن قدر جیغ کشیدم و گریه کردم که سینه‌ام درد گرفت و حس کردم الان است که بالا بیاورم. تا حمام دویدم. حالم بد و

بدتر می‌شد، کف حمام افتادم و هرچه تلخی و کثافت توی زندگی ام بود، بالا آوردم. به زور توانستم از جایم بلند شوم.

مادرم گوشه‌هال نشسته بود و داشت بی‌صدا اشک می‌ریخت. رفتم کنارش نشستم و گفتم: «مامان گریه نکن. گریه کنی بدتر می‌شه حالم.»

با دست‌های چروکیده‌اش، اشک هایش را پاک کرد و گفت: «گریه نمی‌کنم که مادر فقط ناراحتم، نمی‌خواهی بگی چی شده؟»

سیمین دخترم! داری جلوم تلف می‌شی. من مادرم جیگرم می‌سوزه»

عاشق شده.

همین یک جمله کوتاه کافی بود تا مادرم عین ابر بهار زار بزند. و بگوید: «یعنی چی عاشق شده؟ پس تو چی؟ پس تو چیه اون مرد می‌شی؟ مگه زنش نیستی؟ مگه همین مرد پاشنه در خونه رو از جا درنیاورد که من سیمین رو می‌خوام؟ می‌میرم بدون سیمین، سنگ تو رو هی به سینه می‌زد، مارو هم پیش در و همسایه بی‌آبرو کرد.»

گل‌های فرش را با چشم‌هایم دنبال کردم و گفتم: «هر عشقی می‌میرد خاموشی می‌گیرد... تبش تند بود مادرم. زودم تموم شد.»

زنه کیه؟

این را خواهرم شیرین پرسید. نگاهش کردم و گفتم: «مگه مهمه خواهر من، مگه مهمه عاشق کی شده؟ سیما باشه، مینا باشه، چی قراره عوض بشه؟!»

برگه دادخواست طلاق را از کیفم در آوردم و با حرص پرت کردم جلوی مادرم.

بیا حتی جرأت نداشت بیاد بهم بگه طلاق می‌خواد! باید برای من برگه دادخواست بیاد تا بفهمم چه خبره؟

مادرم باز هم زد زیر گریه. برگه دادخواست طلاق از اشک‌های مادرم خیس شد. ولی من که دیگر چشم‌هایم خشک شده بودند و بی‌جان نشسته بودم یک

گوشه. مادرم شروع کرد به نصیحت که بروید مشاوره و به پدرت می‌گویم با او صحبت کند.

برگه را برداشتم و گفتم: «به سر شکسته دوا نمی‌شه دل شکسته. گفته سرمه رو بهم می‌ده، مهریه رو هم می‌ده، خونه هم می‌ده فقط می‌خواد من نباشم. حاضره دار و ندار زندگی‌شو بده، فقط روی نحس منو نبینه.»

شیرین که تا اون موقع ساکت بود گفت: «زنگ بزن سرمه بیاد نرو تو اون خونه، خونه‌ش بخوره توی سرش! از خدایم باشه. کی پونزده سال پای مردی عین اون می‌مونه؟»

دو هفته بعد... جلوی قاضی نشسته بودیم و منتظر حکم نهایی.

من زمو طلاق نمی‌دم. من زمو می‌خوام.

صدای مردی بود که وسط راهرو داشت داد می‌زد: «هیچ‌کس نمی‌تونه زمو از من بگیره. من زمو به خدا هم نمی‌دم، چه برسه طلاقش بدم...»

با نگاهی سرشار از حرف زل زدم به بهزاد. خودش فهمید چه خبر است. رویش را برگرداند... عین همین چندسال آخر زندگی‌مان...

حکم صادر شد و ما قانوناً از هم جدا شدیم. حلقه ام را درآوردم و گذاشتم جلوی پیش. پر از حرف بودم، اما فقط گفتم: «پونزده سال عمرم که رفت حلاله باشه، ترابی!»

از پله‌ها که می‌آمدم پایین، روزهایی که به خاطر من می‌مرد، کتک‌هایی که به خاطر من می‌خورد جلوی چشم‌هایم زنده شدند، ولی تمام شد.

اشک من رنگ شفق یافت ز بی مهری یار/ طالع بی‌شفقت بین که در این کار چه کرد

اشک‌هایم را پاک کردم. پدرم توی ماشین منتظرم نشسته بود. سوار شدم و لبخند زد و گفت: «تموم شد بابا؟»

با لبخند گفتم: «آره بابایی تموم شد...»

نگاهم کرد و گفت: «سیمین! مادر! لاقل با یه تیکه شیرینی چاییتو بخور، تو که چایی تلخ نمی‌خوردی دخترم!»

بیشتر سنگین شدم. این دفعه سوزش اشک را در چشم هایم حس کردم. با خودم زمزمه کردم: «شیرین بخورم که چاییم تلخ نباشه؟ آره من چایی تلخ نمی‌خوردم، اما اونقدر زندگیم تلخه که دیگه تلخی چایی رو حس نمی‌کنم» قند کوچکی برداشتم و توی دهانم گذاشتم.

استکان چای را محکم تر گرفتم و زل زدم به در و دیوار خانه. قند در دهانم حل شد و مزه عجیبی چشیدم. شیرینی؟؟ هه! خنده‌دار بود، حتی یادم نمی‌آید کی برای آخرین بار مزه شیرینی رو حس کردم.

شوهرت کجاست؟
مادرم بود که قفل سکوت را شکست، باز هم نتوانستم نگاهش کنم. همان‌طوری که زل زده بودم به در و دیوار، شانه هایم را انداختم بالا و گفتم: «لابد الان خونه‌ست!»

سرمه چی؟ اونم حتما خونه ست؟ چیزی شده دخترم؟ فقط کافی بود زل بزنم به مادرم تا بغض چندین و چند ساله‌ام بشکند. دیگر توان تحمل نداشتم، اشک‌هایم یکی پس از دیگری می‌ریختند. حتی نمی‌توانستم حرف بزنم. بدنم، روحم چنان درد می‌کرد که فقط و فقط خالی‌شدن کاسه چشم‌هایم می‌توانست آرامم کند.

به جای اینکه سبک بشوم، رفته رفته سنگین‌تر می‌شدم. گریه‌ام شدت می‌یافت و دردم بیشتر می‌شد. دیگر گریه هایم هم حتی شبیه به گریه نبودند و صدای جیغ‌کشیدن خودم را می‌شنیدم. مادر بیچاره و از همه‌جا بی‌خبرم با صورتی وحشت‌زده زل زده‌بود به

من. آن قدر جیغ کشیدم و گریه کردم که سینه‌ام درد گرفت و حس کردم الان است که بالا بیاورم. تا حمام دویدم. حالم بد و بدتر می‌شد، کف حمام افتادم و هرچه تلخی و کثافت توی زندگی‌ام بود، بالا آوردم. به زور توانستم از جایم بلند شوم.

مادرم گوشه‌هال نشسته بود و داشت بی‌صدا اشک می‌ریخت. رفتم کنارش نشستم و گفتم: «مامان گریه نکن. گریه کنی بدتر می‌شه حالم.»

با دست‌های چروکیده‌اش، اشک‌هایش را پاک کرد و گفت: «گریه نمی‌کنم که مادر فقط ناراحتم، نمی‌خوای بگی چی شده؟»

سیمین دخترم! داری جلوم تلف می‌شی. من مادرم جیگرم می‌سوزه»
- عاشق شده.

همین یک جمله کوتاه کافی بود تا مادرم عین ابر بهار زار بزند. و بگوید: «یعنی چی عاشق شده؟ پس تو چی؟ پس تو چیه اون مرد می‌شی؟ مگه زنش نیستی؟ مگه همین مرد پاشنه در خونه رو از جا درنیاورد که من سیمین رو می‌خوام؟ می‌میرم بدون سیمین، سنگ تو رو هی به سینه می‌زد، مارو هم پیش در و همسایه بی‌آبرو کرد.»

گل‌های فرش را با چشم‌هایم دنبال کردم و گفتم: «هر عشقی می‌میرد خاموشی می‌گیرد... تبش تند بود مادرم. زودم تموم شد.»
- زنه کیه؟

این را خواهرم شیرین پرسید. نگاهش کردم و گفتم: «مگه مهمه خواهر من، مگه مهمه عاشق کی شده؟ سیما باشه، مینا باشه، چی قراره عوض بشه؟!»

برگه دادخواست طلاق را از کیفم در آوردم و با حرص پرت کردم جلوی مادرم.
- بیا حتی جرأت نداشت بیاد

بهم بگه طلاق می‌خواد! باید برای من برگه دادخواست بیاد تا بفهمم چه خبره؟

مادرم باز هم زد زیر گریه. برگه دادخواست طلاق از اشک‌های مادرم خیس شد. ولی من که دیگر چشم‌هایم خشک شده بودند و بی‌جان نشسته بودم یک گوشه. مادرم شروع کرد به نصیحت که بروید مشاوره و به پدرت می‌گویم با او صحبت کند.

برگه را برداشتم و گفتم: «به سر شکسته دوا نمی‌شه دل شکسته. گفته سرمه رو بهم می‌ده، مهریه رو هم می‌ده، خونه هم می‌ده فقط می‌خواد من نباشم. حاضره دار و ندار زندگی‌شو بده، فقط روی نحس منو نیینه.»

شیرین که تا اون موقع ساکت بود گفت: «زنگ بزن سرمه بیاد نرو تو اون خونه، خونه‌ش بخوره توی سرش! از خدایم باشه. کی پونزده سال پای مردی عین اون می‌مونه؟»
دو هفته بعد... جلوی قاضی نشسته بودیم و منتظر حکم نهایی.

- من زمو طلاق نمی‌دم. من زمو می‌خوام.

صدای مردی بود که وسط راهرو داشت داد می‌زد: «هیچ کس نمی‌تونه زمو از من بگیره. من زمو به خدا هم نمی‌دم، چه برسه طلاقش بدم...»

با نگاهی سرشار از حرف زل زدم به بهزاد. خودش فهمید چه خبر است. رویش را برگرداند... عین همین چندسال آخر زندگی‌مان...

حکم صادر شد و ما قانوناً از هم جدا شدیم. حلقه ام را درآوردم و گذاشتم جلوی چشمم. از حرف بودم، اما فقط گفتم: «پونزده سال عمرم که رفت حالات باشه، ترابی!»

از پله‌ها که می‌آمدم پایین، روزهایی که به خاطر من می‌مرد، کتک‌هایی که به خاطر

اجرت المثل یا نحله؟

تفاوت این دو چیست؟



زهره شاعری

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور استان بوشهر

اجرت المثل ایام زوجیت و نحله از جمله حقوقی است که دادگاه در زمان طلاق برای حمایت از زوجه (زن) در نظر می گیرد و با وجود شرایطی خاص مرد ملزم به پرداخت آن مانند دیگر حقوق از قبیل نفقه، مهریه و ... به زن خواهد بود.

اجرت المثل چیست؟

اجرت المثل در مقابل اجرت المسمی قرار دارد و به این معنی است که هرگاه شخصی بدون تفاهم و انعقاد قرارداد کتبی یا شفاهی از ملک، مال و یا تخصص شخصی استفاده کند باید مبلغی را تحت عنوان اجرت المثل به شخص پرداخت کند.

در قانون ایران اجرت المثل یکی از چندین راه های جبران خسارت است.

زن در زندگی زناشویی خود با مرد وظایف خاصی از قبیل تمکین خاص و عام را بر عهده خواهد داشت که توسط شرع و قانون مقرر شده

تمکین عام به این معنی حضور زن در زندگی مشترک و اطاعت و عمل به وظایف و تکالیف قانونی و شرعی خود است. مثلاً

شرط مشغول به کار شدن زن در خارج از خانه به شرط اجازه شوهر است.

... خوش رفتاری با شوهر و البته که عرف و زمان در این موضوع تاثیرگذار است؛ مثلاً امروزه، هیچ مردی نمی تواند به همسرش اجازه ندهد که از منزل خارج شود. اما توجه

داشته باشید که اگر زنی بدون اینکه مانعی داشته باشد، وظایف زناشویی را انجام ندهد، به او نفقه تعلق نخواهد گرفت

تمکین خاص یعنی عمل کردن به وظایف و روابط زناشویی حال اگر زن در طول زندگی مشترک خود با مرد عملی بجز این موارد را به دستور همسر خود انجام دهد مستحق پاداشی است که در قانون اجرت المثل نامیده می شود.

مانند: کار در منزل، آشپزی، رسیدگی به فرزندان، شیر دادن به فرزند و ...

بنابراین اجرت المثل یعنی همان پاداش کارهایی که زن به دستور مرد در خانه انجام می دهد

هرچه از مدت زندگی زناشویی بیشتر گذشته باشد، میزان اجرت المثل نیز بیشتر خواهد بود. اما مطالبه اجرت المثل ایام زوجیت منوط به شرایط خاصی است که در صورت نبود این شرایط زن نمی تواند آن را مطالبه کرد

شروط تعلق اجرت المثل به زوجه

۱. زن در امور خانه داری شرط ۱. ضمن عقد نداشته باشد. زیرا در صورتی که در امور خانه داری واجد شروط ضمن عقد باشد نوبت به آن نمی رسد

۲. زوج انجام کارهایی که شرعاً و قانوناً به عهده او نیست را به قصد تبرع یا به عبارتی رایگان انجام نداده

باشد. تکالیف غیر خود را به ۳. دستور مرد انجام داده باشد درخواست طلاق باید تنها ۴. به درخواست زوج یا مرد باشد

۵. تقاضای طلاق مرد نباید به دلیل سوءاخلاق و یا عدم تمکین زن از انجام وظایف زناشویی باشد

به زنانی که در خارج از منزل مشغول به کار هستند (به عبارت بهتر شاغل هستند)، اجرت المثل کمتری تعلق می گیرد

در صورتی که تقاضای طلاق به صورت توافقی باشد، زن و مرد باید قبل از طلاق تکلیف پرداخت اجرت المثل ایام زوجیت را تعیین کنند

اما اگر طلاق توافقی نباشد، دادگاه ضمن صدور رای نسبت به حقوق مالی زن از اجرت المثل ایام زوجیت نیز تعیین تکلیف می کند

نحله چیست؟

نحله به معنای هدیه و بخشش می باشد. همان طور که در ابتدا گفتیم براساس قانون و شرع ایران زن وظیفه تمکین و اطاعت از همسر و تربیت فرزندان را به عهده دارد

حال مطابق قانون و شرع با توجه به نوع وظایف و اعمالی که زن در خانه مرد در طی سال های زندگی مشترک و زناشویی خود انجام داده و با توجه به وضعیت مالی مرد دادگاه مبلغی را تحت عنوان نحله تعیین می کند که زوج ملزم

کردن مرد به پرداخت نحل به دلیل جبران خسارت وارده به زن در موارد سوء استفاده شوهر از اختیار حق طلاق است یعنی زمانی که مرد دلیل موجهی برای تقاضای طلاق خود ندارد. پس در این مورد آنچه به عنوان نحل به زن داده می شود، حق اوست نه بخشش

به پرداخت آن به زوجه است مطالبه نحل همانند اجرت المثل زمانی انجام می شود که زوج (مرد) تقاضای طلاق از زوجه را داشته باشد. توجه داشته باشید که زوجه تنها می تواند یکی از موارد نحل و اجرت المثل را مطالبه کند

برای تعیین میزان نحل نیازی به کارشناسی نیست و قاضی با در نظر گرفتن تعداد سال هایی که زوجین با هم زندگی کرده اند، نوع کار هایی که زن در خانه شوهرش انجام داده است و وضعیت مالی مرد مبلغی را تعیین می کند

یکی از شروط بسیار مهمی که در رابطه با استحقاق زن برای دریافت نحل وجود دارد، آن است که باید مرد دادخواست طلاق داده و برای این دادخواست عذر موجهی وجود نداشته باشد؛ بنابراین در زمان زندگی مشترک نحل به زوجه تعلّق نمی گیرد و این حق صرفاً مربوط به زمانی است که مرد تقاضای طلاق داده باشد

اگر زن در انجام وظایف زناشویی تقصیر و کوتاهی کرده و یا به هر دلیل دیگری که دادگاه برای طلاق آن را موجه بداند، دیگر نحل به زن تعلّق نخواهد گرفت

تفاوت های نحل و اجرت المثل: اجرت المثل به عبارت ساده تر همان دستمزد اموریست که زن در منزل شوهرش انجام داده و وظیفه ای در خصوص انجام آنها نداشته است. در این حالت زن مستحق دریافت اجرت المثل است، مگر آنکه قصد انجام رایگان آن کارها را داشته باشد که اثبات این موضوع بر عهده شوهر است اما نحل بخشی از جانب شوهر است و لازم نیست حتماً زن بابت دریافت آن کاری انجام داده باشد

از نظر دکتر کاتوزیان، ملزم

تحلیل محتوای فیلم هامون



نرگس گرگی لیرای

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور استان بوشهر

هامون روایت عشق دیوانه واری است که هردو سوی آن در نوع خود، شیفته و دیوانه اند و پروسه جدایی‌شان هم بسیار جنون‌آمیز است.

یعنی همه اون زمزمه‌ها...
زندگیا... عشقا... دروغ بود...
همه...

این امکان را به مهرجویی می‌داد تا از یک طرف حالات درونی هامون، و از طرف دیگر وقایع زندگی روزمره او را چنان با هم درآمیزد که در برخی صحنه‌ها تماشاگر زمان واقعی صحنه را از دست بدهد.

بخش عمده‌ای از هامون، در پروسه گرفتن طلاق روایت می‌شود. از صحنه‌های دادگاه و آن صحنه معروفی که به تاریخ سینمای ایران برای همیشه الصاق شده است و در آن حمید هامون فریاد می‌زند: این زن سهم منه، حق منه... یا صحنه هدف‌گرفتن مهشید از پشت پنجره خانه بگیرد تا تعقیب و گریزهای زن و شوهری... و در ادامه که می‌بینیم ترس از دست‌دادن مهشید، چگونه هامون را به جنون کشانده است.

هامون یکی از مهم‌ترین فیلم‌های جریان‌ساز سینمای ایران با کارگردانی داریوش مهرجویی است که به دغدغه‌های جوانان روشنفکر می‌پردازد. فیلمی که با وجود گذشت سه دهه از ساخت آن، همچنان مورد توجه بسیاری از مردم و فیلمسازان است.

هامون درباره وضعیت عاشقانه‌ای است که دارد از دست می‌رود. هرچند فیلم در لحظه‌ای آغاز می‌شود که حمید هامون در خانه تنها شده و مهشید او را ترک گفته، ولی ما در فلاش‌بک‌های متعدد، سرگذشت عاشقانه میان آنان را می‌بینیم. این‌که چگونه در یک کتابفروشی به هم دل می‌بندند، چطور همه غم‌ها و شادی‌هایشان را تقسیم می‌کنند و در نهایت چگونه قدم به قدم از هم دور می‌شوند و در این میان، کاری از دست هیچ کدام ساخته نیست.

هامون همزمان فیلمی ذهنیت‌گرا، مدرن و شخصیت‌محور، اما برخلاف منابع غربی‌اش، برای بیننده ایرانی به نحوی فراگیر، عمیقاً جذاب کننده، تاثیرگذار و عاشقانه است. ما در هامون با جدال شخص با خودش روبرو می‌شویم.

از نظر تکنیکی هم از شیوه روایی جریان سیال ذهن به خوبی استفاده شده است که





پروانه وحدانی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور استان بوشهر

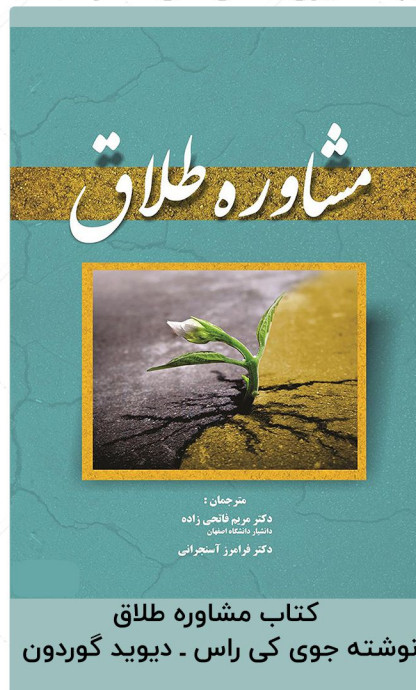
معرفی کتاب مشاوره طلاق

نشان می‌دهند؛ هیچ چیز خوبی نمی‌تواند از طلاق حاصل شود فقط یک فقدان وجود دارد. چنین افرادی اغلب نشانه‌های بالینی افسردگی، انفعال، نومی‌دی، بی‌میلی و گاهی حتی احساس خودکشی را بروز می‌دهند. خودکشی، حد نهایی کناره‌گیری، فرار از موقعیت و رنج ناشی از فقدان نقش و فقدان عزت‌نفس را نشان می‌دهد. حالت نومی‌دی می‌تواند در قبال فقدان نقش در طلاق، کارکرد مهمی داشته باشد. در اصل، شخص معتقد است «اگر من ناامید و منفعل بمانم، لازم نیست با فقدان‌ها یا مشکلات جایگزین آن‌ها روبرو شوم».

سردرگمی و عدم سازمان‌دهی می‌گوئل در ابتدا که در مقابله با فقدان نقش، نشان داده‌شد، راهی را برای کناره‌گیری و دلسردی بعد از طلاق آغاز کرد. او به ویژه وقتی آشفته شد که ترزا شروع به قرار ملاقات با رئیسش کرد. او به درمانگر شکایت می‌کرد که از وقتی طلاق گرفته، احساس مردبودن نکرده‌است. او احساس می‌کرد ترزا با ترک او، او را به عنوان یک مرد از چشم خانواده، دوستان و جامعه انداخته است. او یک نان‌آور، یک شوهر، یک پدر، یک عاشق و در واقع یک انسان نبوده‌است.

با فقدان نقش ادراک‌شده در هویت، غزتِ نقش کاسته

خانوادگی است. مدل مفهومی طلاق در این کتاب، اهمیت طلاق را برحسب مفاهیم شیئی و فقدان نقش توضیح می‌دهد. اگر درمانگری فرآیندهای آسیب‌خودشیفتگی و تحریف جهت‌گیری نقش‌های همراه با



طلاق را کاملاً درک کند، در موقعیت بهتری برای انجام تکالیف درمانی و رشدی مرتبط قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از ترمیم نفس و بازسازی نقش در بخشی از کتاب مشاور طلاق می‌خوانیم؛

بعضی افراد به هر تغییری مثبت یا منفی، با این اظهار تدافعی که هیچ چیز خوبی از تغییر ناشی نمی‌شود، واکنش

کتاب مشاوره طلاق نوشته جوی کی راس و دیوید گوردون، ضمن معرفی پدیده طلاق و علل آن، مواردی از جمله طلاق و چرخه زندگی، تصمیم‌گیری برای طلاق و اجرای آن و فرآیند التیام را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

در گذشته کمتر کسی خواهان مطالعه درباره واقعیت طلاق و توجه به آن بود. چرا که طلاق، نه تنها برای مراجعان، بلکه برای درمانگران هم نشانه شکست به شمار می‌رفت. وقایع دهه گذشته، این تصویر را کاملاً تغییر داد. نه تنها ادبیات طلاق به طور سریع در حال گسترش است، بلکه ما شاهد تغییری چشمگیر در تغییر نگرش و برخورد نسبت به طلاق نیز هستیم. رواج طلاق، مراجعان و درمانگران را وادار کرده تا با نیروی بالقوه آن، چه بد و چه خوب، به عنوان رویدادی در زندگی مواجه شوند.

ما در تلاش برای کمک به مراجعان پی‌برديم که نه تنها کمک به آن‌ها در کسب مهارت‌ها و ابزارهای لازم برای عبور موفق از این تجربه لازم است، بلکه درک معنای روان‌شناختی آن و استفاده رشدی از استرس و تعارض نیز اهمیت دارد. از این منظر، بیشتر تکنیک‌های درمانی از این دیدگاه ناشی شده‌اند که لازمه مطالعه طلاق، یکپارچگی مفاهیم نظری فردی، زناشویی و چرخه‌های زندگی

زندگی می‌شد. والدین و خانواده او در پورتوریکو خیلی نگران او بودند و او را تشویق می‌کردند که به خانه بازگردد که نهایتاً بازگشت. اما بعد از اقدام به خودکشی ناموفق از طریق رانندگی در جاده با اتومبیلش (در حال مستی)

شد و او نه تنها احساس بی‌کفایتی، بلکه احساس نومیدی نیز می‌کرد. او برای فقدان هایش ماتم گرفت و با افراط در مشروب خوردن، عزت نفسش را تسکین می‌داد که البته افسردگی او را موقتاً بهبود می‌بخشید، اما تنها موجب افزایش کناره‌گیری او از

مشاوره طلاق



مترجمان:

دکتر مریم فاتحی زاده
دانشیار دانشگاه اصفهان

دکتر فرامرز آسنجرائی